

Good Governance and Unemployment Rate in Iran

Sardar Omar Saeed*, Saman Ghaderi**, Zana Mozaffari***, Ramin Amani****

Original Article	Receive Date: 2024 Jun 11	Accept Date: 2024 Aug 06	Page: 91-124
------------------	---------------------------	--------------------------	--------------

Abstract

Nowadays, good governance is recognized as a fundamental concept that holds significant importance at every level of organizations and societies. This type of governance, which focuses on transparency, justice, participation, and efficiency, profoundly impacts performance and development. Through transparent and accountable processes, good governance strengthens public trust and contributes to sustainable development. On the other hand, unemployment, as an economic and social phenomenon, is of notable importance. Therefore, the primary aim of this research is to examine the impact of good governance on the unemployment rate in Iran during the period from 1990 to 2021 using the quantile regression method. To achieve the research objective, variables such as foreign direct investment, per capita GDP, the real effective exchange rate, and the inflation rate have been used as control variables. The results of this study indicate that the good governance index has a negative and significant effect on the unemployment rate across all unemployment rate deciles. Per capita GDP and foreign direct investment also have a negative and significant impact on the unemployment rate across all deciles. Meanwhile, the inflation rate and the real effective exchange rate have a negative and significant effect on the unemployment rate from the first to the fifth decile, and a positive and significant effect from the sixth to the ninth decile.

Keywords: Good governance, Unemployment Rate, Iran, Quantile Regression Method

JEL Classification: C21, E24, E60.

* M.Sc. in Economics, Department of Economics, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran
sardarclan89@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran (Corresponding Author)
s.ghaderi@uok.ac.ir

*** Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran
z.mozaffari @uok.ac.ir

**** Ph.D. Student in Economics, Department of Economic Development and Planning, Faculty of Management and Economics, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran
r.amani@modares.ac.ir

حکمرانی مطلوب و نرخ بیکاری در ایران

سردار عمر سعید*، سامان قادری**، زانا مظفری***، رامین امانی****

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶	شماره صفحه: ۹۱-۱۲۴
-------------------	--------------------------	-------------------------	--------------------

چکیده

امروزه، حکمرانی مطلوب به عنوان یک مفهوم اساسی، در هر سطحی از سازمان ها و جوامع اهمیت فراوانی دارد. این نوع حکمرانی با تمرکز بر شفافیت، عدالت، مشارکت و کارآمدی، تأثیرات عمیقی بر عملکرد و توسعه دارد. حکمرانی مطلوب از طریق فرایندهای شفاف و مسئولانه، اعتماد عمومی را تقویت کرده و به توسعه پایدار کمک می کند. از آنجا که، بیکاری به عنوان یک پدیده اقتصادی و اجتماعی، اهمیت چشمگیری دارد، در نتیجه هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی تأثیر حکمرانی مطلوب بر نرخ بیکاری در ایران طی دوره زمانی سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۱ و با استفاده از روش رگرسیون کوانتایل است. برای رسیدن به هدف پژوهش از متغیرهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی، تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ ارز مؤثر حقیقی و نرخ تورم به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که شاخص حکمرانی مطلوب در تمامی دهک های نرخ بیکاری دارای تأثیر منفی و معنی دار بر نرخ بیکاری است. تولید ناخالص داخلی سرانه و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در تمامی دهک های نرخ بیکاری دارای تأثیر منفی و معنی دار بر نرخ بیکاری و دو متغیر نرخ تورم و نرخ ارز حقیقی مؤثر از دهک اول تا دهک پنجم دارای تأثیر منفی و معنی دار و از دهک ششم تا نهم دارای تأثیر مثبت و معنی دار بر نرخ بیکاری است.

واژه های کلیدی: ایران، حکمرانی مطلوب، روش رگرسیون کوانتایل، نرخ بیکاری

طبقه بندی JEL: E60, E24, C21

* کارشناس ارشد علوم اقتصادی، گروه علوم اقتصادی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران sardarclan89@gmail.com

** استادیار، گروه علوم اقتصادی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران (نویسنده مسئول) s.ghaderi@uok.ac.ir

*** استادیار، گروه علوم اقتصادی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران z.mozaffari@uok.ac.ir

**** دانشجوی دکتری اقتصاد، گروه توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران r.amani@modares.ac.ir

فصلنامه مجلس و اقتصاد، سال دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳

DOI: 10.22034/mec.2024.16886.1036

۱- مقدمه

رشد روزافزون جمعیت و پایین بودن ظرفیت تولید، باعث بروز بحران بیکاری در دهه اخیر، به ویژه در کشورهای درحال توسعه شده و این پرسش را مطرح کرده است که برای ساماندهی اقتصادی و کاهش بیکاری، برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها در چه جهتی باید صورت گیرد. بیکاری یکی از مهم ترین معضلات کشورهای درحال توسعه است که عواقب منفی زیادی را به دنبال داشته و موجب گردیده است که کاهش بیکاری و ایجاد فرصت های جدید شغلی در رأس مهم ترین اهداف سیاست گذاران اقتصادی کشورهای مذکور قرار گیرد و سرمایه گذاری برای اشتغال زایی در این کشورها امری انکارناپذیر باشد (لیوین و آوتیو^۱، ۲۰۱۱). باتوجه به شرایط کنونی اقتصادی ایران که در آن مسئله بیکاری ازجمله مشکلات حاد کشور محسوب می شود، اجرای اقداماتی در راستای تسریع رشد اقتصادی و افزایش ظرفیت های تولیدی که منجر به ایجاد فرصت های شغلی جدید و در نتیجه کاهش بیکاری می گردد، ضروری است. اما ایران نیز همانند بسیاری کشورها برای رونق تولید و ایجاد اشتغال و همچنین دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار، با مشکل کمبود منابع سرمایه گذاری روبرو است؛ لذا حکمرانی مطلوب به عنوان یکی از عوامل مهم می تواند نقش مؤثری در افزایش تولید و اشتغال داشته باشد. دولت ها باتوجه به نقش سیاست گذار، تصمیم گیرنده و برنامه ریز خود، مهم ترین عامل تأثیرگذار در رشد و توسعه اقتصادی محسوب می شوند و تا زمانی که دولت ها سیاست های خود را اصلاح نکنند، توسعه اقتصادی محقق نخواهد شد. به این دلیل از اواسط دهه ۱۹۹۰ با پیدایش و رواج مکتب نهادگرایی و با توصیه سازمان های بین المللی ازجمله سازمان ملل متحد، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، مؤلفه های حکمرانی به عنوان کلید توسعه مطرح گردید. کلید توسعه در فراهم ساختن شرایط و نهادهایی است که دولت از عهده انجام وظایف حاکمیتی خود برآید و بتواند زمینه ساز رشد بازار و هدایت آن به نفع عامه مردم باشد و این مهم با بهبود شاخص های حکمرانی مطلوب محقق می شود. حکمرانی مطلوب به این مفهوم است که فرایندها و نهادها، منجر به نتایجی می شوند که نیازهای جامعه را تأمین می کنند و درعین حال بهترین بهره برداری از منابع در اختیار را امکان پذیر می نمایند. حکمرانی مطلوب، بستر ساز توسعه ای پایدار و بلندمدت است.

بیکاری ازجمله معضلات دردناکی است که جامعه جوان کشور بیش از پیش با آن روبه روست. هجوم بیکاران برای پیوستن به بدنه دولت و فقدان ارائه امکانات سرمایه گذاری سازمان دهی شده برای ایجاد اشتغال، ازجمله مسائلی است که کمتر در بودجه ریزی به آن توجه می شود (رادین^۲، ۲۰۱۷). مشکل بیکاری در دهه های اخیر به صورت یکی از مسائل بسیار حاد کشورهای توسعه نیافته درآمده است در کشورهای عقب افتاده جنبه های بیکاری در تاروپود جامعه نهفته و به صورت مزمن درآمده است و عقب ماندگی در فناوری در پاره ای از موارد مشکلی لاینحل نشان می دهد. بیکاری به عنوان عارضه ای که باعث عدم استفاده از نیروی فعال و قابل کار است بیماری است مزمن که مانند پدیده تورم خوشایند

1. Levie & Autio

2. Radin

هیچ‌گونه اقتصادی نیست که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه رشد سریعی دارد (جاین^۱، ۲۰۰۱). بیکاری یکی از مشکلاتی است که امروزه در بسیاری از کشورهای جهان دیده می‌شود، این مشکل در اثر کاهش نرخ رشد اقتصادی و به دنبال آن کاهش تقاضا برای کالاهای تولیدی، صنعتی و خدماتی در کشورهای صنعتی ایجاد شد و زندگی میلیون‌ها نفر را تحت تأثیر قرار داده است. نرخ بیکاری در ایران در سال‌های ۱۳۸۴-۹۶، بین ۹/۵ درصد در تابستان ۹۳ تا ۱۴/۶ درصد در زمستان ۱۳۸۹ در نوسان بوده است (مرادی و همکاران، ۱۴۰۰) و بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۱، ۹/۲ درصد از جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، بیکار بوده‌اند. هر جامعه‌ای برای حکومت جایگاه خاصی قائل است و با توجه به تأثیر ساختارهای اقتصادی بر رفتارهای حاکمیت و حکمرانی مطلوب، نوعی از نظام اقتصادی و سیاسی را برای خود برمی‌گزیند. در طی چند دهه گذشته ساختار اقتصادی ایران همواره بر پایه درآمدهای نفتی استوار بوده است و از طرفی همه امتیازات این بخش در دست دولت متمرکز است. بیکاری از مهم‌ترین موضوعات اقتصادی همه کشورها محسوب می‌شود و رفع این مشکل به‌ویژه از کانال‌هایی مانند توان بالقوه نیروی کار و بالفعل کردن استعدادها، به‌کارگیری نیروهای جوان متخصص، بامهارت و تحصیل‌کرده باید در رأس اهداف کلان اقتصادی قرار گیرد و این نیروهای جوان می‌توانند با توجه به نوع تخصص خود، به ایجاد واحدهای اشتغال‌زا و نوآور بپردازند. لازم به ذکر است که شرط اساسی برای تحقق این موارد، وجود فضای امن و سالم اقتصادی است. بهبود در زمینه ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری جزء اهداف عمده راهبرد توسعه اقتصادی و اجتماعی و یکی از وظایف مهم دولت‌ها است و از آنجایی که «نظریه حکمرانی مطلوب» از تازه‌ترین مباحث توسعه است و ایران نیز مانند هر نظام سیاسی دیگر نیاز دارند که نسبت به مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی این نظریه درکی عمیق و گسترده داشته باشند تا اثر آن بر جامعه کارآمدتر و اثربخش‌تر شود. حکمرانی از طریق کانال‌های پیچیده مستقیم و غیرمستقیم، رفاه و کیفیت زندگی افراد جامعه را تحت تأثیر می‌گذارند. بهبود حتی یکی از مؤلفه‌ها در شرایطی که سایر مؤلفه‌ها ثابت بمانند، به صورت مستقیم بر کیفیت زندگی مردم یک کشور تأثیر می‌گذارد و باعث ارتقای آن می‌شود. به همین دلیل، حکمرانی یکی از نهادهای مستقیم برای بهبود زندگی مردم است. اما اثرات غیرمستقیم مهم دیگری نیز دخیل هستند؛ بنابراین، دولت کارآمد و سالم، باید از طریق سازوکارهای پیچیده مستقیم و غیرمستقیم، عوامل مهمی را برای اجرا و پایداری سیاست‌های سالم اقتصادی و نهادی، توسعه سرمایه انسانی و ریشه‌کن‌سازی فقر در نظر داشته باشد (چودهری و همکاران^۲، ۲۰۱۲)؛ لذا این پژوهش به دنبال آن است که با آمار و شواهد، چگونگی اثرگذاری شیوه حکمرانی مطلوب بر کاهش بیکاری را ارزیابی کند. از طرفی مشخص شدن مثبت یا منفی بودن رابطه میان اثرگذاری حکمرانی مطلوب و کاهش بیکاری می‌تواند کمک زیادی در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی داشته باشد. با توجه به این‌که نظریه حکمرانی مطلوب نظریه نوین و نگاه جدیدی است که به نقش دولت در رشد و توسعه اقتصادی و بالطبع اشتغال دارد؛ بنابراین این پژوهش سعی می‌کند به این سؤال پاسخ دهد که حکمرانی مطلوب بر نرخ بیکاری ایران چه تأثیری دارد؟

1. Jain

2. Choudhry et al.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱- مبانی نظری تحقیق

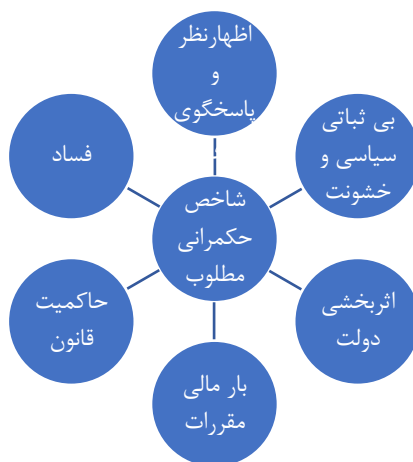
۲-۱-۱- حکمرانی مطلوب

یکی از مباحث بسیار مهم و درعین حال جدید که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده، موضوع حکمرانی مطلوب است. حکمرانی مطلوب به عنوان یکی از مفاهیم حیاتی در حوزه مدیریت سیاسی و اجتماعی، نقش بسیار مهمی در تعیین سمت و سوی توسعه و پیشرفت یک کشور یا جامعه دارد. این مفهوم تأثیرات قابل توجهی را بر سیاق تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد. در این موضوع، حکمرانی مطلوب به ایجاد و حفظ یک فرایند مدیریتی عادلانه، شفاف، شرکت پذیر، کارآمد و مستند معنا دارد که از طریق آن، منابع و منافع عمومی به نحو مؤثری مدیریت می شوند. از این رو، تلاش ها برای تحقق حکمرانی مطلوب در هر جامعه امری بسیار حیاتی به شمار می آید (اوگانديا^۱، ۲۰۱۰). این مسئله به ویژه در کشورهای در حال توسعه در راستای استقرار و نهادینه سازی جامعه مدنی در سیاست های مربوط به اعطای کمک ها از جایگاه ویژه ای برخوردار شده است. موضوع حکمرانی مطلوب باهدف دستیابی به توسعه پایدار مطرح شده که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط زیست و رشد و توسعه زنان تأکید می شود که همه این ها با حکمرانی مطلوب امکان تحقق می یابد. حکمرانی مطلوب، واژه ای است که حاکی از تغییر پارادایم نقش دولت و حکومت ها است. حکمرانی تنها در مورد دستگاه ها یا بازیگران نیست؛ بلکه از آن مهم تر در مورد کیفیت حکمرانی است که توسط شاخص ها و ابعادی آن را تشریح می کند. حکمرانی مطلوب در واقع مشارکت یکسان و برابر تمام شهروندان در فرایند تصمیم گیری است. بر اساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل، حکمرانی مطلوب عبارت است از مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومت داری (ویدودو و همکاران^۲، ۲۰۲۳).

حکمرانی مطلوب فرایند تصمیم گیری و جریان تصمیم های اجرا شده هستند که تنها به بخش دولتی (عمومی) اختصاص ندارد؛ بلکه به همه نهادها و جریانات دخیل در تصمیم گیری مربوط است. بر طبق نظر صندوق بین المللی پول^۳، تهیه نمودن کیفیت نظم دهنده، بهبود اثربخشی و پاسخگویی بخش دولتی، از بین بردن فساد همین طور پیشرفت های اقتصادی ابزار حکمرانی مطلوب است (یودین^۴، ۲۰۱۳). از اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی نهادهای بین المللی سیاست گذاری اقتصادی همچون بانک جهانی، برنامه عمران سازمان ملل و تا حدودی صندوق بین المللی پول سیاستی به نام حکمرانی مطلوب را به عنوان کلید معمای توسعه مطرح نمودند حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت کنندگان اطلاق می شود. بر اساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل حکمرانی مطلوب عبارت است از

1. Ogundiya
2. Widodo et al.
3. International Monetary Fund (IMF)
4. Uddin

مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومت‌داری. به عبارت دیگر هراندازه حاکمیت قانون بیشتر و دستگاه قضایی کارآمدتر و عادلانه‌تر و میزان مشارکت در یک کشور بیشتر باشد حکمرانی در آن کشور بهتر است (ماتانداره^۱، ۲۰۱۸). بانک جهانی حکمرانی مطلوب را بر اساس شش ویژگی مندرج در شکل (۱) تعریف می‌کند.



شکل ۱. اجزای شاخص حکمرانی مطلوب

منبع: بانک جهانی

در طی حداقل پنج سال گذشته ادبیات بسیار گسترده‌ای تحت این عنوان از سوی نهادهای بین‌المللی انتشار یافته است. موضوع محوری حکمرانی مطلوب، چگونگی دست‌یافتن به حکومتی است که بتواند زمینه‌ساز توسعه‌ای مردم‌سالار و برابر خواه باشد. بانک جهانی صندوق بین‌المللی پول و برنامه عمران سازمان ملل از زوایای مختلفی به این مسئله پرداخته‌اند. صندوق بین‌المللی پول بر شفافیت مالی و پولی به عنوان شرط لازم برای افزایش پاسخگویی حکومت پرداخته است و در این راستا صندوق بین‌المللی پول بیش از ده استاندارد را برای نظام‌های، پولی بانکی و مالی تعریف کرده است. تعریف استانداردها بر اساس این سیاست صورت گرفته است که حکمرانی مطلوب نیازمند پاسخگو بودن حکومت‌ها است و بدون شفافیت مالی پاسخگویی بی‌معنا بوده و قدم اساسی برای شفافیت مالی تعریف و اجرای استانداردهای ثبت و انتشار اطلاعات است. بانک جهانی مجموعه گسترده‌تری از سیاست‌ها و اقدامات را برای تقویت حکمرانی و بهبود آن پیشنهاد می‌کند (شبیر و همکاران^۲، ۲۰۱۹). دو سازوکار اصلی پیشنهادی بانک جهانی برای بهبود حکمرانی تقویت رقابت و پاسخگویی است که کاربرد آن‌ها در حوزه‌های مختلف، سیاسی اقتصادی و اجتماعی دایره بسیار گسترده‌ای از سیاست‌ها از اصلاح سیستم قضایی و آموزش و پرورش تا نظام مناقصات دولتی را منتج ساخته است.

1. Matandare, M. A.
2. Shabbir, A. et al.

علت تحول در توصیه‌های سیاستی بانک جهانی و فاصله گرفتن از سیاست‌های پیشین، موضوع اصلی این مقاله است. از ابتدای دهه ۸۰ تا اواخر دهه ۹۰ بانک جهانی بر کوچک‌سازی دولت تأکید می‌ورزید از اواخر این دهه به جای تأکید بر ابعاد دولت بانک جهانی موضوع محوری در سیاست‌های خود را توانمندسازی دولت قرار داده است. هرچند هنوز کوچک‌سازی دولت را برای بهبود حکمرانی مفید می‌داند؛ اما این سیاست را در کنار مجموعه گسترده‌ای از سیاست‌ها مطرح می‌سازد که پیش‌ازین کمتر به آن پرداخته شده است (آبی دجنه و همکاران^۱، ۲۰۱۹).

۲-۱-۲- نحوه اثرگذاری حکمرانی مطلوب بر نرخ بیکاری

حکمرانی مطلوب می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر نرخ بیکاری داشته باشد. یک حکومت با اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب می‌تواند بازار کار را تقویت کرده، ایجاد فرصت‌های شغلی را تسهیل کرده و درنهایت به کاهش نرخ بیکاری کمک کند. حکمرانی مطلوب از طرق مختلف می‌تواند بر نرخ بیکاری اثرگذار باشد که در ادامه به تبیین هرکدام از کانال‌های تأثیرگذاری حکمرانی مطلوب بر نرخ بیکاری پرداخته می‌شود.

حق اظهارنظر و پاسخگویی می‌تواند تأثیرات متعددی بر نرخ بیکاری داشته باشد. این تأثیرات به‌طور مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند به کاهش یا افزایش نرخ بیکاری منجر شوند. افزایش حق اظهارنظر و پاسخگویی می‌تواند از طرق زیر بر نرخ بیکاری تأثیرگذار باشد.

سیاست‌های اشتغال‌زایی: وقتی که حکومت به درخواست‌ها و نیازهای مردم در زمینه اشتغال‌زایی و ایجاد فرصت‌های شغلی پاسخ می‌دهد، این می‌تواند به کاهش بیکاری منجر شود. افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف، توسعه کسب‌وکارها و ترویج فرصت‌های اشتغال می‌تواند به تعداد شغل‌های موجود و بهبود نرخ بیکاری کمک کند (فرا و همکاران^۲، ۲۰۲۲).

ترکیب مهارت‌ها با نیازهای بازار کار: حق اظهارنظر و پاسخگویی می‌تواند به مسئولین کمک کند تا مهارت‌ها و آموزش‌ها را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که با نیازهای واقعی بازار کار همخوانی داشته باشند. این به افراد کمک می‌کند تا بهترین فرصت‌های شغلی را داشته باشند و بیکاری ساختاری کاهش یابد (شبیر و همکاران^۳، ۲۰۲۱).

تحریک اقتصادی و سرمایه‌گذاری: اگر مردم اعتقاد داشته باشند که حکومت به‌طور جدی به نیازها و انتظارات آن‌ها پاسخ می‌دهد، این می‌تواند به افزایش اعتماد به اقتصاد و بازار کار منجر شود. افزایش اعتماد به‌نوبه خود می‌تواند به افزایش سرمایه‌گذاری و توسعه کسب‌وکارها و درنتیجه کاهش نرخ بیکاری منجر شود (همان، ۲۰۲۱).

توزیع عادلانه فرصت‌ها: اگر حق اظهارنظر و پاسخگویی به توزیع عادلانه‌تر فرصت‌ها و منابع کمک کند، این می‌تواند به کاهش بیکاری ناشی از نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی کمک کند. فرصت‌های بیشتر برای افراد از لایه‌های مختلف جامعه می‌تواند به تسهیل ورود آن‌ها به بازار کار کمک کند (یوسف و دیاب^۴، ۲۰۲۱).

1. Abé Ndjé, A. et al.

2. Ferrara, F. M. et al.

3. Shabbir, A. et al.

4. Youssef, J. & Diab, S.

تعهد و مشارکت اجتماعی: وقتی که مردم در فرایند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری مشارکت دارند و احساس دارند که صدا و دیدگاه‌های آن‌ها به خوبی شنیده می‌شود، احتمالاً احساس تعهد و وفاداری به جامعه و اقتصاد بالاتر خواهد بود. این مشارکت می‌تواند به افزایش تعداد افرادی که به دنبال شغل هستند، کمک کند و در نتیجه بیکاری ساختاری کاهش یابد (متو و همکاران^۱، ۲۰۲۰).

تأثیر بر سیاست‌های تعادل بین زندگی و کار: حق اظهار نظر و پاسخگویی می‌تواند به مسئولین کمک کند تا سیاست‌ها و تدابیری را تعیین کنند که تعادل بین زندگی و کار را ترویج کنند. این می‌تواند به تنظیم ساعات کاری مناسب و ایجاد فرصت‌های کار از راه دور کمک کند که در نتیجه بیکاری متوسط کاهش یابد (فرا و همکاران، ۲۰۲۲).

بی‌ثباتی سیاسی و خشونت می‌توانند تأثیرات مهمی بر نرخ بیکاری داشته باشند. این تأثیرات از طریق مسیرهای مختلفی ایجاد می‌شوند و ممکن است به کاهش یا افزایش نرخ بیکاری منجر شوند. بی‌ثباتی سیاسی و خشونت از طریق کانال‌های زیر می‌تواند بر نرخ بیکاری مؤثر باشد.

کاهش سرمایه‌گذاری: بی‌ثباتی سیاسی و خشونت معمولاً باعث کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران در کشور می‌شود. سرمایه‌گذاران نیاز به پایداری و اطمینان از آینده دارند تا بتوانند سرمایه خود را در پروژه‌ها و کسب‌وکارها سرمایه‌گذاری کنند. اگر بی‌ثباتی سیاسی و خشونت ایجاد شود، سرمایه‌گذاران احتمالاً تردید کرده و کمتر به سرمایه‌گذاری علاقه‌مند خواهند بود. این می‌تواند منجر به کاهش سرمایه‌گذاری، کمبود فرصت‌های شغلی و افزایش نرخ بیکاری شود (فومبا کاماگا و همکاران^۲، ۲۰۲۲).

تأثیر بر تولید و تجارت: بی‌ثباتی سیاسی و خشونت می‌توانند به اختلال در عملکرد تولیدی و تجاری کشور منجر شوند. تخریب زیرساخت‌ها، از بین رفتن مواد اولیه، محدودیت‌ها در تجارت و اختلال در زنجیره تأمین ممکن است باعث کاهش تولید و افزایش بیکاری شوند (آدلایا و جورج^۳، ۲۰۲۰).

افزایش بی‌ثباتی اقتصادی: بی‌ثباتی سیاسی و خشونت می‌توانند به نابرابری در توزیع منابع و افزایش نابسامانی‌های اقتصادی منجر شوند. این موضوع می‌تواند به تضعیف اقتصاد کلان، کاهش تولید و افزایش بیکاری منجر شود (همان، ۲۰۲۰).

تأثیر بر سرمایه اجتماعی و انسانی: خشونت و بی‌ثباتی می‌توانند باعث از بین رفتن سرمایه اجتماعی و انسانی شوند. از دست دادن اعتماد به دولت و نظام، مهاجرت افراد ماهر به سایر کشورها و کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری در آموزش و توسعه مهارت‌ها ممکن است به افزایش بیکاری منجر شود (پورکل و همکاران^۴، ۲۰۲۰).

تأثیر بر تجربه و مهارت‌ها: در شرایط بی‌ثباتی، افراد اغلب دسترسی به فرصت‌های آموزش و توسعه مهارت‌ها را از دست می‌دهند. این موضوع می‌تواند منجر به از دست دادن تجربه‌ها و مهارت‌های لازم برای شغل‌ها شود که در نتیجه نرخ بیکاری افزایش می‌یابد (شبیر و همکاران، ۲۰۲۱).

1. Metu, A. G. et al.
2. Fomba Kamga, B. et al.
3. Adelaja, A. & George, J.
4. Purcell, L. N. et al.

افزایش نرخ جرم و جنایت: بی‌ثباتی سیاسی و خشونت ممکن است به افزایش نرخ جرم و جنایت منجر شود. این موضوع می‌تواند به ایجاد محیط ناامن و ناآرامی در جامعه منجر شده و از اشتغال و توسعه اقتصادی ممانعت کند (فرا و همکاران، ۲۰۲۲).

به‌طورکلی، بی‌ثباتی سیاسی و خشونت می‌توانند به تضعیف اقتصاد و ایجاد شرایط نامساعد برای ایجاد فرصت‌های شغلی منجر شوند. این مسائل به عوامل مختلفی ازجمله افزایش نرخ بیکاری، کاهش توانایی اقتصادی و اجتماعی جامعه و افزایش نابرابری‌های اقتصادی منجر می‌شوند.

اثربخشی دولت در مدیریت اقتصاد و سیاست‌های اشتغال می‌تواند تأثیرات قابل‌توجهی بر نرخ بیکاری داشته باشد. دولت با انجام سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب می‌تواند به کاهش بیکاری و ایجاد فرصت‌های شغلی کمک کند. کانال‌های ارتباطی اثربخشی دولت بر نرخ بیکاری به شرح ذیل است.

سیاست‌های تحرک اقتصادی: دولت می‌تواند با اجرای سیاست‌های تحرک اقتصادی، تقاضا را افزایش داده و اقتصاد را احیا کند. افزایش تقاضا به معنای افزایش تولید و خدمات، و در نتیجه ایجاد نیاز به نیروی کار بیشتر است که می‌تواند به کاهش بیکاری منجر شود (گوستافسون^۱، ۲۰۲۰).

سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها: دولت می‌تواند با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها مانند جاده‌ها، راه‌آهن، فضای عمومی و فناوری‌ها، ایجاد فرصت‌های شغلی در صنایع مرتبط با این زیرساخت‌ها را تسهیل کند (همان، ۲۰۲۰).

ترویج کارآفرینی و کسب‌وکارهای کوچک: دولت می‌تواند با ارائه تسهیلات مالی، آموزش‌های تجاری و حمایت‌های دیگر، راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای کوچک و کارآفرینی را تشویق کند که می‌تواند منجر به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید شود (همان، ۲۰۲۰).

آموزش و توسعه مهارت‌ها: دولت می‌تواند با ارتقا سیستم آموزش و توسعه مهارت‌های موردنیاز در بازار کار، افراد را به تطابق با شغل‌های موجود ترغیب کرده و بیکاری ساختاری را کاهش دهد (پورکل و همکاران، ۲۰۲۰).

انضباط مالی و پولی: دولت می‌تواند با تنظیم سیاست‌های مالی و پولی مناسب، اثرات نوسانات اقتصادی را کاهش داده و بازار کار را پایدارتر کند (سیکیلیانو و همکاران^۲، ۲۰۲۱).

حمایت از صنایع استراتژیک و نوآوری: دولت می‌تواند در بخش‌هایی که تأثیر بالقوه‌ای در اشتغال‌زایی و توسعه دارند، حمایت کند. همچنین، حمایت از تحقیق و توسعه و ترویج نوآوری می‌تواند به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید منجر شود (یوسف و دیاب، ۲۰۲۱).

تعامل با بخش خصوصی: دولت می‌تواند با تعامل مؤثر با بخش خصوصی، بسترهای مناسبی را برای سرمایه‌گذاری و ایجاد شغل‌ها فراهم کند (همان، ۲۰۲۱).

تأثیر بار مالی یا بدهی بر نرخ بیکاری می‌تواند به شدت تبعیض داشته باشد و به عوامل متعددی بستگی دارد ازجمله؛

1. Gustafson, D.

2. Siciliano, M. D. et al.

کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی: بار مالی بالا می‌تواند منجر به کاهش سرمایه‌گذاری و تحقق رشد اقتصادی کمتر شود. کاهش سرمایه‌گذاری به معنای کاهش تولید و ایجاد شغل‌ها است و ممکن است به افزایش نرخ بیکاری منجر شود (کراویتز و همکاران^۱، ۲۰۲۰).

کاهش توان تولیدی و مهارت‌ها: بدهی و بار مالی بالا می‌تواند منجر به کاهش توان تولیدی کشور شود. این موضوع ممکن است به تنزل مهارت‌ها، کاهش تقاضا برای کار، و بالارفتن نرخ بیکاری منجر شود (کوک و همکاران^۲، ۲۰۲۲). **افزایش هزینه‌های اقتصادی:** بدهی بالا می‌تواند به افزایش هزینه‌های اقتصادی کشور منجر شود. هزینه‌های افزایش‌یافته ممکن است باعث کاهش تقاضا برای کالا و خدمات و در نتیجه به افزایش نرخ بیکاری منجر شود (تونچی و ادوا^۳، ۲۰۲۰).

کاهش توان رقابتی: بدهی بالا می‌تواند توان رقابتی کشور را کاهش دهد. این موضوع ممکن است باعث کاهش توانایی صنایع در رقابت با صنایع خارجی شود که به نوبه خود می‌تواند به کاهش تولید و ایجاد شغل‌ها منجر شود (همان، ۲۰۲۰). **کاهش اعتماد عمومی و سرمایه‌گذاران:** وجود بدهی بالا و بار مالی سنگین می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی به اقتصاد و نظام مالی منجر شود. این اعتماد پایداری و اعتماد سرمایه‌گذاران را به مخاطره می‌اندازد که ممکن است به کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش نرخ بیکاری منجر شود (کراویتز و همکاران، ۲۰۲۰).

بالین حال، موارد بالا تنها اثرات ممکن بر نرخ بیکاری هستند و تأثیر واقعی بسته به شرایط اقتصادی، مدیریت اقتصادی و سیاست‌های دولت وابسته است. برخی بدهی‌ها ممکن است به عنوان ابزارهای استراتژیک در زمینه‌هایی مانند سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و توسعه صنعتی مورد استفاده قرار گیرند که در نهایت به کاهش بیکاری و ایجاد فرصت‌های شغلی منجر شوند. همچنین، برنامه‌ریزی مناسب در مورد مدیریت و پرداخت بدهی می‌تواند اثرات منفی را کاهش داده و تأثیرات مثبتی بر بازار کار داشته باشد.

حاکمیت قانون به طور قابل توجهی می‌تواند تأثیرات مهمی بر نرخ بیکاری داشته باشد. اصولاً حاکمیت قانون به معنای ایجاد قوانین، مقررات و سیاست‌هاست که تأثیر مستقیم یا غیرمستقیمی بر بازار کار و نرخ بیکاری دارد. در ادامه به برخی از کانال‌های ارتباطی حاکمیت قانون و نرخ بیکاری اشاره می‌شود.

حمایت از حقوق کارگران: حاکمیت با ایجاد قوانین و مقررات مربوط به حقوق کارگران، مثل حقوق حداقلی، ساعات کاری مشروط، تعطیلات و تأمین اجتماعی، می‌تواند به ارتقا وضعیت کارگران کمک کند. این حمایت ممکن است به افزایش رضایت و تعهد کارگران، کاهش تعداد تخلفات و ترک کار، و در نهایت کاهش نرخ بیکاری منجر شود (آگوستینو و همکاران^۴، ۲۰۲۰).

-
1. Kravitz-Wirtz, N. et al.
 2. Cook, C. J. et al.
 3. Tonuchi, J. E. & Idowu, P.
 4. Agostino, M. et al.

تنظیمات اشتغال و تحریک اقتصادی: حاکمیت می‌تواند با ایجاد تنظیمات اشتغال، مانند تعیین سطح حداقل اشتغال، تعیین اهداف اشتغال‌زایی و اجرای سیاست‌های تحریک اقتصادی، به ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری کمک کند (اقبال حسین و همکاران^۱، ۲۰۲۱).

ترتیبات آموزش و مهارت‌ها: حاکمیت می‌تواند با ایجاد سیاست‌های متناسب برای ترتیبات آموزش و توسعه مهارت‌ها، به افراد کمک کند تا بهترین فرصت‌های شغلی را داشته باشند و نرخ بیکاری ساختاری کاهش یابد (همان، ۲۰۲۱).

محدودیت‌ها و مقررات برای کسب و کارها: حاکمیت می‌تواند با ایجاد مقررات مربوط به ایجاد و تشکیل کسب و کارها، به تنظیم بازار کار کمک کند. این مقررات می‌توانند به مهار تخلفات، بهبود شرایط کاری و حفظ حقوق کارگران کمک کنند (کوناوتور و همکاران^۲، ۲۰۲۰).

بازنشستگی و تأمین اجتماعی: حاکمیت با تنظیم سیاست‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی، به افراد اعتماد به آینده و امنیت مالی بیشتری می‌دهد. این امور می‌توانند به کاهش تمایل به بازنشستگی زود هنگام و کارآمدی تر بازار کار کمک کنند (یوسف و دیاب، ۲۰۲۱).

مهاجرت کاری: حاکمیت با تنظیم مقررات و قوانین مرتبط با مهاجرت کاری، می‌تواند به تعادل بین نیروی کار داخلی و خارجی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد داخلی کمک کند (اقبال حسین و همکاران، ۲۰۲۱).

بازار کار و نرخ بیکاری تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل قرار دارند و حاکمیت قانون می‌تواند با ایجاد سیاست‌ها و مقررات مناسب، به مدیریت بهتر این عوامل کمک کند. با این حال، تأثیر حاکمیت قانون به شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر کشور بستگی دارد و باید بادقت و توجه به واقعیات منطقه‌ای اجرا شود.

فساد می‌تواند تأثیرات منفی و گسترده‌ای بر نرخ بیکاری داشته باشد. فساد به معنای سوءاستفاده از قدرت و مسئولیت‌ها به منظور کسب منافع شخصی یا گروهی است که ممکن است منجر به تخریب نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شود. در ادامه به برخی از تأثیرات فساد بر نرخ بیکاری اشاره می‌شود.

کاهش سرمایه‌گذاری: فساد باعث کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران به نظام اقتصادی می‌شود. سرمایه‌گذاران نیاز به پایداری و اطمینان از آینده دارند تا بتوانند سرمایه خود را در پروژه‌ها و کسب و کارها سرمایه‌گذاری کنند. اگر فساد وجود داشته باشد، سرمایه‌گذاران احتمالاً تردید کرده و کمتر به سرمایه‌گذاری علاقه‌مند خواهند بود. کاهش سرمایه‌گذاری ممکن است به کاهش فرصت‌های شغلی و افزایش نرخ بیکاری منجر شود (بیودین و رحمان^۳، ۲۰۲۳).

تضعیف بخش خصوصی و توسعه کسب و کارها: فساد می‌تواند منجر به تضعیف بخش خصوصی و محدودیت‌هایی در راه‌اندازی و توسعه کسب و کارها شود. این موضوع ممکن است باعث کاهش تعداد فرصت‌های شغلی و ایجاد محیط ناامن برای سرمایه‌گذاری شود (لیم^۴، ۲۰۱۹).

1. Iqbal Hussain, H. et al.

2. Kunawotor, M. E. et al.

3. Uddin, I. & Rahman, K. U.

4. Lim, K. Y.

تخریب زیرساخت‌ها و خدمات عمومی: فساد می‌تواند منجر به تخریب زیرساخت‌ها و خدمات عمومی شود که نیازهای اساسی جامعه را تأمین می‌کنند. این موضوع ممکن است باعث کاهش توانایی اقتصادی کلان کشور شود و در نتیجه نرخ بیکاری افزایش یابد (دهمیجا^۱، ۲۰۲۰).

تباهی منابع و توزیع نامناسب آن‌ها: فساد می‌تواند به تباهی منابع مالی و مالیاتی کشور منجر شود. این موضوع ممکن است باعث کاهش توانایی دولت در ارائه خدمات عمومی، بهبود زیرساخت‌ها و توزیع نامناسب منابع در جامعه شود (همان، ۲۰۲۰).

کاهش اعتماد عمومی: فساد معمولاً به کاهش اعتماد عمومی به نظام اقتصادی و سیاسی کشور منجر می‌شود. اعتماد کمتر به نظام ممکن است باعث ایجاد ناامنی در بازار کار شود و افراد احتمالاً تمایل کمتری به توسعه مهارت‌ها و بهره‌وری داشته باشند که ممکن است به افزایش نرخ بیکاری منجر شود (یودین و رحمان، ۲۰۲۳).

افزایش تبعیض‌ها و نابرابری: فساد می‌تواند به افزایش تبعیض‌ها و نابرابری در بازار کار منجر شود. افرادی که ارتباطات و روابط خوبی دارند، ممکن است به سهولت فرصت‌های شغلی را کسب کنند در حالی که افراد دیگر که به ارتباطات ندارند ممکن است با مشکلات بیشتری در این زمینه مواجه شوند (نوگنو^۲، ۲۰۲۳).

کاهش نوآوری و رشد اقتصادی: فساد می‌تواند به کاهش نوآوری و رشد اقتصادی کمک کند. در محیط‌های فساد، افراد ترجیح می‌دهند به دنبال راه‌های سریع و غیرقانونی برای کسب منافع شخصی خود بگردند تا به توسعه نوآوری و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های پایدار (همان، ۲۰۲۳).

به‌طور کلی، فساد می‌تواند به تضعیف نظام اقتصادی و ایجاد نوسانات و عدم پایداری در بازار کار منجر شود. برای مقابله با این مشکل، تلاش‌های جدی برای کاهش و پیشگیری از فساد و تقویت نظام‌های شفاف و عدالت‌پذیری ضروری است تا تأثیرات منفی بر بازار کار و نرخ بیکاری کاهش یابد.

۲-۱-۳- توجیه نظری در ارتباط با اثرگذاری نامتقارن حکمرانی مطلوب بر نرخ بیکاری

رابطه نظری اثر نامتقارن حکمرانی مطلوب بر بیکاری را می‌توان با استفاده از چندین نظریه کلیدی اقتصادی و مفاهیم اقتصادسنجی توضیح داد. مدل‌های غیرخطی و اثرات آستانه‌ای، مدل‌های اقتصادسنجی غیرخطی، مانند مدل‌های رگرسیون آستانه‌ای، پیشنهاد می‌دهند که رابطه بین حکمرانی مطلوب و بیکاری ممکن است خطی نباشد. حکمرانی مطلوب می‌تواند تأثیر بیشتری در کاهش بیکاری داشته باشد زمانی که کیفیت حکمرانی از آستانه‌های خاصی فراتر رود. زیر این آستانه‌ها، بهبودهای در حکمرانی ممکن است تأثیر کمی بر نرخ بیکاری داشته باشد (هانسن^۳، ۲۰۰۰). از طرف دیگر، نظریه اطلاعات نامتقارن می‌تواند به فهم چگونگی تأثیر حکمرانی مطلوب بر بیکاری در شرایط اقتصادی مختلف کمک کند. حکمرانی مطلوب عدم تقارن اطلاعات در بازار کار را کاهش می‌دهد و منجر به تطابق بهتر شغل و کاهش بیکاری ساختاری می‌شود. با این حال، این تأثیر در دوران رکود اقتصادی که عدم تقارن اطلاعات بیشتر مضر است،

1. Dhamija, P.
2. Ngono, J. F. L.
3. Hansen

می‌تواند بیشتر مشهود باشد (آکراف^۱، ۱۹۷۰). مفهوم هیسترسیس^۲ در بیکاری مطرح می‌کند که بیکاری بالا می‌تواند به دلیل تأثیرات منفی بر مهارت‌ها و قابلیت اشتغال کارگران ماندگار شود. حکمرانی مطلوب، با اجرای سیاست‌های مؤثر بازار کار، می‌تواند اثر هیسترسیس را در دوران بهبود اقتصادی به طور مؤثرتری کاهش دهد تا در دوران رکود، که منجر به تأثیرات نامتقارن بر بیکاری می‌شود (بلانچارد و ساممرس^۳، ۱۹۸۶). همچنین، اثربخشی حکمرانی بر بیکاری می‌تواند به زمینه اقتصاد سیاسی وابسته باشد. حکمرانی مطلوب اجرای سیاست‌های اقتصادی صحیح را تسهیل می‌کند که می‌تواند بیکاری را در دوره‌های بحران اقتصادی به طور مؤثرتری کاهش دهد. بااین حال، در دوره‌های ثبات اقتصادی، منافع افزایشی بهبود حکمرانی ممکن است کمتر مشهود باشد (عجم‌اوغلو و رابینسون^۴، ۲۰۰۱).

۲-۱-۴- نحوه اثرگذاری متغیرهای مستقل بر نرخ بیکاری

رابطه بین نرخ ارز واقعی، نرخ تورم، تولید ناخالص سرانه داخلی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نرخ بیکاری را می‌توان از طریق نظریه‌های مختلف اقتصادی و مطالعات تجربی بررسی کرد. نرخ ارز واقعی از طریق تأثیر آن بر رقابت‌پذیری بین‌المللی بر بیکاری تأثیر می‌گذارد. کاهش نرخ ارز واقعی صادرات را ارزان‌تر و واردات را گران‌تر می‌کند و می‌تواند تولید داخلی و اشتغال را افزایش دهد. در مقابل، افزایش نرخ ارز می‌تواند به صنایع صادراتی آسیب رسانده و منجر به افزایش بیکاری شود (فرانک و رز^۵، ۲۰۰۶). این تأثیر می‌تواند نامتقارن باشد و به ساختار اقتصادی و انعطاف‌پذیری بازار کار بستگی داشته باشد. رابطه بین تورم و بیکاری معمولاً در چارچوب منحنی فیلیپس مورد بحث قرار می‌گیرد که یک رابطه معکوس بین تورم و بیکاری در کوتاه‌مدت را بیان می‌کند. بااین حال، تورم بالا می‌تواند عدم قطعیت اقتصادی ایجاد کرده و سرمایه‌گذاری را کاهش دهد، که منجر به افزایش بیکاری در بلندمدت می‌شود. همچنین، تورم بسیار بالا می‌تواند دستمزدهای واقعی را کاهش داده و مصرف را کاهش دهد و بیکاری را تشدید کند (فردینمن^۶، ۱۹۶۸).

از طرف دیگر، تولید ناخالص داخلی سرانه یک معیار از رفاه اقتصادی است. تولید ناخالص داخلی سرانه بالاتر معمولاً نشان‌دهنده یک اقتصاد قوی‌تر با منابع بیشتر برای ایجاد شغل است و در نتیجه بیکاری را کاهش می‌دهد. رشد اقتصادی مرتبط با افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه اغلب منجر به ایجاد شغل و بهبود شرایط بازار کار می‌شود. بااین حال، ماهیت رشد (آیا فراگیر است یا خیر) نیز مهم است. رشدی که فراگیر نباشد ممکن است بیکاری را به طور قابل توجهی کاهش ندهد (اکون^۷، ۱۹۶۲). سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز می‌تواند با ایجاد شغل‌های جدید و انتقال

1. Akerlof

۲. در علم اقتصاد، هیسترسیس شامل اثراتی است که پس از حذف علل اولیه که منجر به اثرات می‌شوند، باقی می‌مانند. دو حوزه اصلی در اقتصاد که در آن از اثرات پسماند برای توضیح پدیده‌های اقتصادی استفاده می‌شود، بیکاری و تجارت بین‌المللی است.

3. Blanchard & Summers

4. Acemoglu & Robinson

5. Frenkel & Ros

6. Friedman

7. Okun

فناوری و مهارت‌ها به کشور میزبان بیکاری را کاهش دهد. شرکت‌های چندملیتی سرمایه وارد کرده، بهره‌وری را افزایش داده و فرصت‌های شغلی مستقیم و غیرمستقیم ایجاد می‌کنند. با این حال، تأثیر FDI بر بیکاری می‌تواند پیچیده باشد و به نوع سرمایه‌گذاری، تخصیص بخشی و شرایط اقتصادی موجود در کشور میزبان بستگی دارد (بورنستین و همکاران^۱، ۱۹۹۸).

۲-۲- پیشینه تحقیق

۲-۲-۱- مطالعات خارجی

نوگنو (۲۰۲۳) در مطالعه خود به بررسی تأثیر حکمرانی مطلوب با تأکید بر فساد بر نرخ بیکاری در ۵۴ کشور آفریقایی طی دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ و با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته پویا پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حکمرانی مطلوب دارای تأثیر منفی در جهت کاهش بیکاری است. از طرف دیگر، افزایش فساد باعث افزایش بیکاری در کشورهای پژوهش شده است.

یودین و رحمان (۲۰۲۳) در پژوهش خود به بررسی تأثیر حکمرانی مطلوب بر نرخ بیکاری و رشد اقتصادی در ۷۹ کشور در حال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۸ و با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی کاملاً اصلاح شده پرداخته است. نتایج این پژوهش حاکی از تأثیر منفی شاخص حکمرانی مطلوب بر نرخ بیکاری و تأثیر مثبت آن بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب است.

روناقی و سکورسون^۲ (۲۰۲۳) در مطالعه خود به بررسی تأثیر حکمرانی مطلوب بر نرخ بیکاری و فقر در ۴۹ ایالات آمریکا طی دوره زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ و با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته پویا پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش حکمرانی مطلوب، نرخ بیکاری و فقر در ایالت‌های مدنظر کاهش یافته است.

یوسف و دیاب (۲۰۲۱) در پژوهش خود به بررسی تأثیر حکمرانی مطلوب بر نرخ بیکاری در ۲۰ کشور منطقه منا طی دوره زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷ و با استفاده از روش پانل تصادفی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در کشورهای منا به علت پایین بودن سطح حکمرانی مطلوب، این شاخص دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر نرخ بیکاری است.

علی و همکاران^۳ (۲۰۲۲) در پژوهش خود به بررسی تأثیر مخارج عمومی دولت بر نرخ بیکاری در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی و با استفاده از روش پانل تلفیقی پرداخته است. برآوردهای بلندمدت نشان می‌دهد که باز بودن تجارت رابطه‌ای منفی و معنادار با نرخ بیکاری در اقتصادهای کم‌درآمد کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی دارد و همبستگی مثبتی با بیکاری در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی با درآمد بالاتر دارد. هزینه‌های عمومی رابطه‌ای منفی و معنادار با بیکاری در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی با درآمد بالاتر دارند.

1. Borensztein et al.

2. Ronaghi, M. & Scorsone, E.

3. Ali, S. et al.

نپرام و همکاران^۱ (۲۰۲۱) در مطالعه خود به بررسی تأثیر مخارج دولت بر بیکاری در ایالت‌های هند طی بازه زمانی ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۸ و با استفاده از روش پانل ثابت پرداخته است. نتایج نشان می‌دهند که کاهش هزینه‌ها می‌تواند ابزار مالی مهمی برای مبارزه با بیکاری باشد. همچنین بیکاری در ایالت‌هایی با جمعیت تحصیل کرده بیشتر است که این موضوع نیز نشان‌دهنده نیاز به بازنگری در سیاست‌های آموزشی کشور است.

گوستافسون (۲۰۲۰) در پژوهش خود به بررسی تأثیر عدم ثبات سیاسی و درگیری‌های داخلی به عنوان زیرشاخصی از شاخص حکمرانی مطلوب بر نرخ بیکاری در کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین طی دوره زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷ و با استفاده از روش بیزین پرداخته است. نتایج این پژوهش حاکی از تأثیر مثبت و معنی‌دار جنگ و عدم ثبات سیاسی بر نرخ بیکاری در کشورهای موردپژوهش است.

سینق و شاستری^۲ (۲۰۲۰) در پژوهش خود به بررسی تأثیر مخارج عمومی دولت و سطح تحصیلات بر نرخ بیکاری در هند طی دوره زمانی ۱۹۸۷ تا ۲۰۱۷ و با استفاده از روش ARDL پرداخته است. نتایج تجربی نشان می‌دهد که دستاوردهای آموزشی که با نسبت ثبت نام ناخالص در سطح متوسطه آموزش نمایان می‌شود، در بلندمدت و همچنین کوتاه‌مدت به طور منفی بر نرخ بیکاری تأثیر می‌گذارد. با این حال، هزینه‌های عمومی در بخش آموزش تأثیری بر دستاوردهای آموزشی و نرخ بیکاری ندارد.

آدلجا و جورج (۲۰۲۰) در مطالعه خود به بررسی تأثیر حکمرانی مطلوب با تأکید بر حاکمیت قانون بر نرخ بیکاری در بین جوانان در کشورهای منتخب طی دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ و با استفاده از روش پانل ثابت پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افزایش حاکمیت قانون باعث کاهش بیکاری در کشورهای مورد مطالعه شده است.

ادب ندجی و همکاران^۳ (۲۰۱۹) به بررسی تأثیر حکمرانی مطلوب بر نرخ بیکاری در کشورهای منتخب آفریقایی طی دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۶ و با استفاده از مدل پانل پویا پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های حکمرانی مانند کنترل فساد و ثبات سیاسی تأثیر منفی بر نرخ بیکاری جوانان در آفریقا دارند. علاوه بر این، ثبات سیاسی نتوانسته است نرخ بیکاری جوانان را در کشورهای پرفساد و غنی از منابع طبیعی کاهش دهد. به طور مشابه، شاخص‌های حکمرانی دیگر مانند کارآمدی دولتی، کیفیت تنظیمات، قانون و نظم، صدا و مسئولیت هنوز تأثیرات مورد انتظار را در کشورهای آفریقایی به همراه نداشته‌اند. به عبارت دیگر، مقامات سیاسی باید شاخص‌های حکمرانی را، از جمله کنترل فساد و ثبات سیاسی، بهبود دهند.

۲-۲-۲- مطالعات داخلی

شکوهی فرد و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه خود به بررسی تأثیر فساد به عنوان یکی از زیرشاخص‌های شاخص حکمرانی مطلوب بر نرخ مشارکت زنان در ایران و کشورهای منتخب طی دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ با استفاده از سیستم معادلات

1. Nepam, D. et al.
2. Singh, D. & Shastri, S.
3. Abé Ndjié, A. et al.

هم‌زمان پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افزایش فساد دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر نرخ مشارکت زنان در ایران و کشورهای منتخب دارد.

شکوهی‌فرد و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود به بررسی اثرات فساد بر بازار کار در کشورهای منتخب سازمان همکاری اسلامی طی دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ و با استفاده از روش رگرسیون کوانتایل پرداخته است. بر اساس نتایج برآورد مدل، در همه کوانتایل‌ها، تأثیر فساد بر نرخ مشارکت نیروی کار و اشتغال منفی است، زیرا فساد با تأثیر منفی بر رشد اقتصادی و فضای کسب‌وکار و منحرف کردن مخارج دولت به سوی اهداف غیرمولد، سطح اشتغال و نرخ مشارکت نیروی کار در کشورهای منتخب را کاهش می‌دهد.

فاطمی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود به بررسی تأثیر اندازه بهینه دولت به عنوان یکی از زیرشاخص‌های حکمرانی مطلوب بر اشتغال بخش کشاورزی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ و با استفاده از روش ARDL پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که در وضعیت موجود روند مخارج دولت، متغیر اندازه دولت هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت اثر منفی و معنادار بر اشتغال بخش کشاورزی داشته است اما اثر اندازه دولت در حالت بهینه، اثر مثبت بر اشتغال بخش کشاورزی است. به عبارتی حرکت به سمت اندازه بهینه دولت در اقتصاد ایران اثرگذاری بیشتری بر اشتغال بخش کشاورزی خواهد داشت.

مرادی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی تأثیر شاخص حکمرانی مطلوب بر نابرابری درآمدی و نرخ بیکاری در کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته طی بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ و با استفاده از روش رگرسیون پانل کوانتایل پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افزایش حکمرانی مطلوب دارای تأثیر منفی و کاهشی بر نابرابری درآمدی و نرخ بیکاری است.

منتظری شورکچالی و زاهد غروری (۱۴۰۰) در پژوهش خود به بررسی تأثیر اندازه دولت بر بیکاری در ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۷ و با استفاده از رهیافت مارکوف سوئیچینگ پرداخته است. یافته‌های این مطالعه همگام با دیدگاه کینزی، نشان می‌دهد که در دوران رکود اقتصادی (سال‌هایی با نرخ بیکاری بالاتر) اندازه بزرگ‌تر یا سیاست‌های انبساطی دولت اثر منفی و معناداری بر نرخ بیکاری داشته، درحالی‌که در دوران غیر رکودی (سال‌هایی با نرخ بیکاری پایین‌تر) شواهدی دال بر اثرگذاری معنادار اندازه دولت بر نرخ بیکاری در ایران مشاهده نشده است؛ بنابراین می‌توان گفت که دلایل برشمردۀ توسط آبرامزو فلدمن جهت تبیین اثرگذاری مثبت اندازه بزرگ‌تر دولت بر نرخ بیکاری، حداقل در دوران رکود اقتصادی در ایران قابل دفاع نیست.

حکمتی فرید (۱۳۹۹) در مطالعه خود به بررسی تأثیر اثر حکمرانی مطلوب بر سلامت و اشتغال زنان در کشورهای با درآمد متوسط به بالا با رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته طی دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، در کشورهایی که شاخص‌های حکمرانی در سطح بالاتری قرار دارد، زنان از سطح سلامت و اشتغال بیشتری برخوردار هستند.

مرادی و سلمان پور (۱۳۹۶) در مطالعه خود به بررسی تأثیر حکمرانی مطلوب بر توزیع درآمد و نرخ بیکاری در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی طی دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ با استفاده از روش پانل با اثرات ثابت پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افزایش حکمرانی مطلوب دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر نرخ بیکاری در کشورهای مورد مطالعه است.

زاینده‌رودی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به بررسی تأثیر شاخص حکمرانی مطلوب بر توزیع درآمد و نرخ بیکاری در کشورهای منتخب جنوب غربی آسیا طی دوره زمانی ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۳ و با استفاده از روش داده‌های تابلویی ثابت پرداخته است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که شاخص کیفیت حکمرانی و شاخص‌های ثبات سیاسی و اثربخشی دولت، تأثیر منفی و معناداری بر کاهش نابرابری و بیکاری دارد.

۳- روش‌شناسی تحقیق

۳-۱- روش‌شناسی

در پژوهش حاضر، از مدل رگرسیون کوانتایل (چندکی) برای بررسی اثرات نامتقارن شاخص حکمرانی مطلوب بر نرخ بیکاری در ایران استفاده شده است، زیرا رگرسیون چندکی امکان اثرگذاری متغیرهای مستقل در تمام قسمت‌های توزیع به‌ویژه در دنباله‌های ابتدایی و انتهایی را فراهم می‌کند، بدون این‌که با مشکلات فروض کلاسیک و داده‌های پرت در برآورد ضرایب روبرو باشد (کونکر^۱، ۲۰۰۵). در ابتدا مدل رگرسیون خطی را مانند رگرسیون (۱) در نظر می‌گیریم:

$$Y_t = \theta(\tau)x_t + \alpha + e_t(\tau) \quad , \quad Q_{e_t(\tau)}(\tau | x_t) = 0 \quad (1)$$

آنگاه کوانتایل شرطی Θ ام توزیع y به شرط متغیرهای تصادفی X به صورت زیر است:

$$Q_{y_t}(\tau | x_t) = \alpha + \theta(\tau)x_t \quad , \quad t = 1, 2, \dots, n \quad (2)$$

که در آن $\theta(\tau) = (\theta_0, \theta_1, \dots, \theta_k)$ و $x = (1, x_1, \dots, x_k)$ به ترتیب برداری از پارامترهای نامعلوم و مقادیر معلوم هستند و $e_t(\tau)$ یک متغیر تصادفی مشاهده نشدنی است. بر اساس روش کونکر (۲۰۰۵)، عرض از مبدأ (α) و ضرایب $\theta(\tau)$ برای هر کوانتایل به صورت زیر برآورد می‌گردند:

$$(\hat{\theta}, \hat{\alpha}) = \arg \min_{(\theta, \alpha)} \sum_{k=1}^q \sum_{t=1}^T \sum_{i=1}^n \rho_{\tau_k} [Y_{it} - \theta(\tau_k) X_{it} - \alpha_i] + \lambda \sum_{i=1}^n |\alpha_i| \quad (3)$$

که، $\rho_{\tau}(e) = e[\tau - I(e < 0)]$ و $I(\cdot)$ تابع مقیاس و λ مینیمم واریانس است. بررسی این اثرات از طریق رگرسیون کوانتایل می‌تواند دیدگاه دقیق‌تری از رابطه تصادفی بین متغیرها فراهم آورد و بنابراین تحلیل تجربی آگاهی بخشی را ارائه می‌دهد (داوینو و همکاران^۱، ۲۰۱۳).

هدف و علت استفاده از رگرسیون کوانتایل در پژوهش بررسی تأثیر حکمرانی مطلوب بر نرخ بیکاری در ایران این است که این روش امکان تحلیل تأثیر متغیرهای مستقل بر کل توزیع متغیر وابسته (نرخ بیکاری) را فراهم می‌کند، نه فقط بر میانگین آن. برخلاف روش‌های رگرسیون معمولی که تنها اثرات میانگین را اندازه‌گیری می‌کنند، رگرسیون کوانتایل می‌تواند اثرات متغیرهای مستقل را در سطوح مختلف توزیع نرخ بیکاری (مثل درصدهای مختلف) نشان دهد. این امر به پژوهشگران اجازه می‌دهد تا تحلیل جامع‌تری از روابط پیچیده بین حکمرانی مطلوب و نرخ بیکاری در ایران داشته باشند و تفاوت‌های موجود در توزیع بیکاری را بهتر درک کنند. در پژوهش‌های جدید نیز از روش رگرسیون کوانتایل برای متغیر وابسته نرخ بیکاری استفاده شده است؛ مانند، مرادیان و همکاران^۲ (۲۰۲۴) و آرانو و سرینیواسان^۳ (۲۰۲۲).

رگرسیون کوانتایل یک تکنیک آماری است که به جای تخمین میانگین شرطی متغیر وابسته، مانند نرخ بیکاری، کوانتایل‌های شرطی را تخمین می‌زند. این روش برای مدیریت توزیع‌های نامعمول و انحراف از سطح نرمال در داده‌ها مناسب است و تخمین‌های قابل اعتمادی ارائه می‌دهد (کرونکر و هالوک^۴، ۲۰۰۱). همچنین، رگرسیون کوانتایل به درک بهتر اثرات توزیعی پیش‌بین‌ها بر نرخ بیکاری کمک می‌کند و برای تحلیل اثرات عواملی مانند آموزش و سیاست‌های اقتصادی مفید است. این روش حتی در حضور پرت‌ها یا الگوهای توزیعی غیراستاندارد، تخمین‌های مقاوم و قابل اعتمادی ارائه می‌دهد (فیرپو و همکاران^۵، ۲۰۰۹؛ کرونکر و باست^۶، ۱۹۷۸؛ ماچادو و سیلوا^۷، ۲۰۱۹).

۲-۳- تصریح مدل و معرفی متغیرهای پژوهش

این پژوهش به توجه به نتایج مطالعات روناقی و سکورسون^۸ (۲۰۲۳) و ادب ندجی و همکاران^۹ (۲۰۱۹) الگویی ارائه شده که با شرایط اقتصاد ایران هماهنگی داشته باشد؛ بنابراین، الگوی تصریح شده برآوردی بر اساس روش رگرسیون چندکی، به صورت معادله زیر است که مربوط به تأثیر شاخص حکمرانی مطلوب و سایر متغیرهای توضیحی بر نرخ بیکاری در ایران است.

$$Model1: q(UM_t | \varphi_t) = \alpha_0 + \alpha_1 GG_t + \alpha_2 GDP_t + \alpha_3 INF_t + \alpha_4 RER_t + \alpha_5 FDI_t + \varepsilon_t \quad (4)$$

1. Davino et al.
2. Moridian, A. et al.
3. Arano, K. G. & Srinivasan, A. K.
4. Koenker, R. & Hallock, K. F.
5. Firpo, S. et al.
6. Koenker, R. & Bassett, G.
7. Machado, J. A. F. & Silva, J. M. C. S.
8. Ronaghi, M. & Scorsone, E.
9. Abé Ndjié, A. et al.

که $q(TA_t | \varphi_t)$ چندکی شرطی شاخص حکمرانی مطلوب در زمان t و φ_t شامل اطلاعات مورد در زمان t است. همچنین در رگرسیون فوق؛ UM نرخ بیکاری، GG شاخص حکمرانی مطلوب، GDP تولید ناخالص داخلی سرانه، FDI سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، EF، RER نرخ ارز حقیقی و INF نرخ تورم است. دوره زمانی این پژوهش سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۱ است. با توجه به مطالعات پژوهش، شرح متغیرها به صورت جدول (۱) است.

جدول ۱. معرفی متغیرهای پژوهش

نوع متغیر	نماد	نام به لاتین	نام به فارسی	واحد	منبع
وابسته	UM	Unemployment Rate	نرخ بیکاری	درصد	World bank
	GG	Good Governance	شاخص حکمرانی مطلوب	۲/۵ - تا ۲/۵	Worldwide Governance Indicators
مستقل	RER	Real Exchange Rate (%)	نرخ ارز حقیقی	درصد	World bank
	INF	Inflation Rate (%)	نرخ تورم	درصد	World bank
	GDP	GDP per capita (2015)	تولید ناخالص داخلی سرانه (۲۰۱۵)	دلار آمریکا	World bank
	FDI	Foreign Direct Investment (% GDP)	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	درصد	World bank

منبع: نتایج پژوهش

نرخ بیکاری طبق تعریف بانک جهانی به عنوان نسبت جمعیت بیکار به نیروی کار فعال در یک کشور یا منطقه در یک بازه زمانی خاص تعریف می‌شود. این نسبت به عنوان یک معیار اقتصادی مهم مورداستفاده قرار می‌گیرد و نشان‌دهنده نسبت کسانی است که برای یافتن شغل جدید به دنبال کار هستند به تعداد کل نیروی کار فعال. نرخ بیکاری معمولاً به صورت درصد اعلام می‌شود و نشان‌دهنده تعداد افراد بیکار به نسبت کل نیروی کار فعال است. نیروی کار فعال به تمام افرادی اطلاق می‌شود که در یک کشور یا منطقه به دنبال شغل هستند و به طور فعال در نیروی کار مشغول هستند (شامل کارمندان، مشاغل آزاد و کارآفرینان). شاخص حکمرانی مطلوب نیز یک معیار ارزیابی است که برای اندازه‌گیری کیفیت حکمرانی و عملکرد نظام سیاسی و اداری یک کشور یا نهاد استفاده می‌شود. این شاخص برای سنجش ارتقا حکومت‌ها به منظور ارائه خدمات بهتر به شهروندان، تسهیل رشد اقتصادی، مبارزه با فساد و بهبود شفافیت و اثربخشی عملکرد نظام اداری ایجاد شده است.

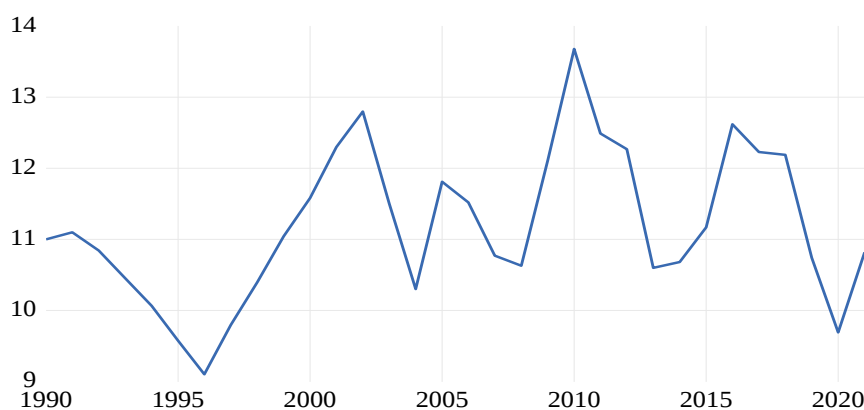
در ادامه، جدول (۲) آماره توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. آماره توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر/آماره توصیفی	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	جارك برا (احتمال)	چولگی
UM	۱۱/۸۱	۱۱/۰۲	۱۳/۶۸	۹/۱۰	۱/۰۵	۲۷/۴۸ (۰/۰۰۰)	۳/۱۲
GG	-۰/۹۰۱	-۰/۸۴۳	-۰/۵۴۳	-۱/۲۶۹	۰/۲۱۳	۱/۷۱ (۰/۴۲۴)	۱/۹۱۶
GDP	۴۵۵۰/۴۵	۴۸۲۸/۴۹	۵۴۵۰/۹۳	۳۳۶۳/۵۱	۷۲۶/۷۷	۳/۸۹۷ (۰/۱۴۲)	۱/۳۹۴
INF	۲۰/۷۷	۱۷/۳۴	۴۹/۶۵	۷/۲۴	۱۰/۷۴	۵/۳۶۸ (۰/۰۴۸)	۳/۹۵۲
RER	۱۲۲/۴۸	۱۰۰/۱۲	۲۹۶/۳۵	۵۴/۶۰	۵۸/۵۸	۱۴/۲۹۰ (۰/۰۰۰)	۴/۴۹۰
FDI	۰/۵۵۸	۰/۵۱۶	۲/۷۳	-۰/۲۸۹	۰/۶۴۰	۰/۷۵۶ (۰/۰۰۰)	۵/۷۱۳

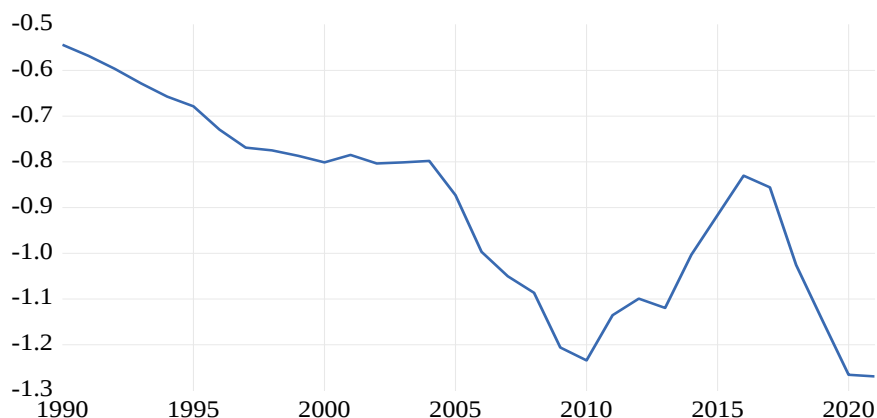
منبع: نتایج پژوهش

یکی از شرایط اصلی استفاده از رگرسیون چندکی توزیع غیرنرمال متغیر وابسته (نرخ بیکاری) است در نتیجه نتایج مربوط به آزمون نرمالتی جارك - برا^۱ برای متغیر نرخ بیکاری در ایران در جدول (۲) ارائه شده است. همان طور که مشاهده می گردد، فرض صفر آزمون جارك - برا دال مبنی بر توزیع نرمال متغیر وابسته (نرخ بیکاری) باتوجه به سطح احتمال ۵ درصد رد شده و غیرنرمال بودن روند متغیر اثبات می گردد. از طرف دیگر، باتوجه به نتایج چولگی، چولگی به سمت راست است. باتوجه به ماهیت چولگی که در متغیر نرخ بیکاری، استفاده از روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی برای بررسی هدف پژوهش مناسب نیست. باتوجه به چولگی موجود در متغیر وابسته و در نظر گرفتن تمامی قسمت-های توزیع توسط رگرسیون چندکی؛ در نتیجه الگوی پژوهش بر اساس این روش برآورد شده است. نمودار (۱) و نمودار (۲) روند دو متغیر نرخ بیکاری و حکمرانی مطلوب را نشان می دهد.



نمودار ۱. روند نرخ بیکاری در ایران

منبع: نتایج پژوهش



نمودار ۲. روند شاخص حکمرانی مطلوب در ایران

منبع: نتایج پژوهش

تحلیل روند نرخ بیکاری در ایران از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۱ نشان می‌دهد که این دوره زمانی شامل تغییرات قابل توجهی در شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور بوده است. در این مدت، نرخ بیکاری تحت تأثیر عوامل متعددی قرار گرفته که شامل سیاست‌های اقتصادی، تحریم‌ها، رشد جمعیت و تغییرات در بخش‌های مختلف اقتصادی است. از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰؛ در این دوره‌ها، ایران شاهد تحولات اقتصادی و اجتماعی متعدد بود. در اوایل دهه ۱۹۹۰، پس از پایان جنگ ایران و عراق، کشور با چالش‌های اقتصادی سنگین روبرو بود که تأثیر زیادی بر نرخ بیکاری داشت. در طی دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، با توسعه برخی از صنایع و سیاست‌های توسعه‌ای، نرخ بیکاری کاهش یافت، اما تحولات سیاسی و اقتصادی، همچنان تأثیرگذار بودند. از دوره ۲۰۱۰ تاکنون؛ در این دوره، با افزایش تحریم‌ها و تغییرات در سیاست‌های اقتصادی، نرخ بیکاری در ایران دوباره افزایش یافت. سیاست‌های اصلاحاتی و تحریم‌های بین‌المللی بر اقتصاد کشور تأثیر منفی گذاشته و منجر به افزایش نرخ بیکاری شده است. در این دوره، نرخ بیکاری به گونه‌ای متغیر بوده که در برخی سال‌ها افزایش یافته و در دیگر سال‌ها کاهش یافته است، اما کلیتاً در سطح‌های نسبتاً بالا حفظ شده است.

از طرف دیگر، این داده‌ها نشان می‌دهند که شاخص حکمرانی مطلوب (GG) در ایران از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۱ به طور کلی در حال کاهش بوده است. این شاخص به عنوان یک معیار برای ارزیابی کیفیت حکمرانی و سطح توسعه سیاسی کشورها استفاده می‌شود، که مقادیر منفی نشان‌دهنده نوعی ضعف یا نامناسبی در حکمرانی است.

- از اواسط دهه ۱۹۹۰ تا اوایل دهه ۲۰۰۰، شاخص GG در حدود -۰.۶ تا -۰.۸ حرکت کرده است، که نشان‌دهنده یک دوره نسبتاً پایدار از کاهش در حکمرانی مطلوب است.
- در سال‌های بعد از ۲۰۰۵، این شاخص به طور متوسط به -۱ نزدیک شده است، که نشان‌دهنده افزایش نگران‌کننده‌تری در نوسانات و کاهش‌های شاخص است.

در سال‌های اخیر، مانند ۲۰۱۸، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱، شاخص GG به‌طور معمول در مقادیر منفی و پایین‌تر از -۱ حفظ شده است، که این نشان‌دهنده یک دوره بسیار ناامیدکننده‌تر و افزایش فراوانی در نوسانات آن است.

۴- نتایج و تحلیل یافته‌های تحقیق

در بخش حاضر، نتایج مربوط به آزمون ریشه واحد زیوت - اندریوز ارائه می‌گردد. آزمون ریشه واحد زیوت - اندریوز به‌منظور بررسی وجود ریشه واحد در سری‌های زمانی استفاده می‌شود و امکان وجود یک نقطه شکست ساختاری را در نظر می‌گیرد. این آزمون به شناسایی نقاط شکست ساختاری که به دلیل تغییرات سیاستی، شوک‌های اقتصادی یا رویدادهای مهم رخ می‌دهند، کمک می‌کند و اثرات آن‌ها را در تحلیل مدنظر قرار می‌دهد. این ویژگی باعث افزایش دقت در تشخیص ریشه واحد در مقایسه با آزمون‌های ریشه واحد معمولی می‌شود. داده‌های اقتصادی واقعی اغلب دارای نقاط شکست ساختاری هستند و در نظر گرفتن این نقاط می‌تواند به نتایج گمراه‌کننده منجر شود. آزمون زیوت - اندریوز با تطابق بیشتر با طبیعت داده‌های واقعی، تحلیل‌های دقیق‌تری ارائه می‌دهد و به پژوهشگران کمک می‌کند تا تحلیل‌های خود را به واقعیت نزدیک‌تر کنند و از اثرات مخرب نقاط شکست ساختاری بر نتایج آزمون‌های ریشه واحد جلوگیری کنند. جدول (۳) نتایج آزمون مانایی را برای متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد:

جدول ۳. آزمون مانایی متغیرها برای کشور ایران

نام متغیر	نماد متغیر	آماره آزمون			مانایی
		سطح	یک‌بار	سال شکست	
			تفاضل		
نرخ بیکاری	UM	$-4/85 - (0/32)$	-	۲۰۰۰	I(0)
حکمرانی مطلوب	GG	$-5/88 - (0/000)$	-	۲۰۱۴	I(0)
تولید ناخالص داخلی سرانه	GDP	$-3/49 - (0/003)$	-	۲۰۰۲	I(0)
نرخ تورم	INF	$-3/58 - (0/047)$	-	۱۹۹۷	I(0)
نرخ ارز حقیقی مؤثر	RER	$3/64 - (0/044)$	-	۲۰۰۲	I(0)
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	FDI	$-4/65 - (0/000)$	-	۲۰۰۲	I(0)

منبع: نتایج پژوهش

یادداشت: مقادیر داخل () نشان‌دهنده سطح احتمال است.

همان‌طور که از جداول فوق مشاهده می‌گردد، تمامی متغیرهای پژوهش با در نظر گرفتن یک شکست ساختاری و در سطح مانا هستند. در اقتصادسنجی وقتی متغیرهای مربوطه در سطح مانا هستند؛ نیازی به آزمون‌های هم‌جمعی یا هم‌انباشتگی نیست.

در این بخش نتایج مربوط به رگرسیون چندکی در جدول (۴) ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌گردد، شاخص حکمرانی مطلوب (GG) در تمامی دهک‌های نرخ بیکاری در ایران دارای تأثیر منفی و معنی‌دار در جهت کاهش بیکاری است.

به طور مثال، در دهک اول نرخ بیکاری در ایران، ۱ واحد افزایش در شاخص حکمرانی مطلوب باعث کاهش ۴۸۴/۰ واحدی در نرخ بیکاری شده است. این تأثیر در دهک نهم نیز سبب کاهش نرخ بیکاری به اندازه ۳۸۱/۰ واحد شده است. نحوه اثرگذاری شاخص حکمرانی مطلوب بر نرخ بیکاری می تواند از طریق کانال های مختلفی انجام گیرد. همان طور که قبلاً نیز اشاره شد، شاخص حکمرانی مطلوب به طور کلی نمایانگر کیفیت و کارایی حکومت و نهادهای دولتی در اداره و مدیریت امور کشوری است. این شاخص به وضوح تأثیرات قابل توجهی بر اقتصاد و جامعه دارد، اما تأثیر آن بر نرخ بیکاری در ایران ممکن است با توجه به متغیرهای مختلف متفاوت باشد. تأثیر شاخص حکمرانی مطلوب بر نرخ بیکاری می تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی باشد از جمله؛ جذب سرمایه گذاری؛ حکمرانی مطلوب و شفافیت در اداره امور دولتی می تواند جذب سرمایه گذاری خارجی و داخلی را تسهیل کند. این سرمایه گذاری ها می توانند منجر به ایجاد شغل های جدید و توسعه بخش های اقتصادی مختلف شوند. رشد اقتصادی؛ حکومت با حفظ پایداری اقتصادی و ایجاد زمینه های ملایم برای کسب و کارها می تواند رشد اقتصادی را تحریک کند که به نوبه خود به ایجاد فرصت های شغلی و کاهش نرخ بیکاری کمک می کند. توسعه زیرساخت ها؛ حکومت با بهبود حکمرانی و مدیریت مناسب منابع، قادر خواهد بود به زیرساخت های حمل و نقل، انرژی و ارتباطات نیازمند توسعه و بهبود را ایجاد کند. این توسعه زیرساخت ها می تواند به ایجاد فرصت های شغلی در بخش های مختلف اقتصادی منجر شود؛ کاهش فساد؛ حکومت با مبارزه جدی علیه فساد و افزایش شفافیت در فعالیت های دولتی، محیط مناسبی برای توسعه کسب و کارها و اشتغال ایجاد می کند. تحقق توازن منطقه ای؛ حکمرانی مطلوب می تواند با توجه به توازن منطقه ای و توزیع منابع بهینه، اقتصاد مناطق مختلف کشور را تقویت کرده و بیکاری را در مناطق محروم کاهش دهد. توسعه تخصص های فنی و حرفه ای؛ اصلاح سیاست های آموزشی و توسعه تخصص های فنی و حرفه ای باعث افزایش توانمندی های کاری جوانان و افراد بیکار می شود. ترویج کارآفرینی؛ شاخص حکمرانی مطلوب می تواند ایجاد محیطی مناسب برای رشد کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای جدید فراهم کند. افزایش اعتماد عمومی؛ حکمرانی مطلوب می تواند به افزایش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و اقتصاد کمک کرده و از ازدیاد نرخ بیکاری جلوگیری نماید.

لازم به ذکر است که تنها این تأثیرات نیستند و تداخل با عوامل دیگری نیز دارند. به عنوان مثال، عوامل جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز تأثیر زیادی بر نرخ بیکاری دارند. به همین دلیل، افزایش حکمرانی مطلوب در کنار اقدامات دیگر ممکن است به بهبود وضعیت اشتغال و کاهش نرخ بیکاری در ایران کمک کند.

تولید ناخالص داخلی سرانه (GDP) نیز در تمامی دهک های نرخ بیکاری دارای تأثیر منفی و معنی دار بر نرخ بیکاری در ایران است؛ اما این تأثیر تا حدودی ضعیف است. در دهک اول، ۱ واحد افزایش در تولید ناخالص داخلی سرانه سبب کاهش نرخ بیکاری به اندازه ۰۰۲/۰ واحد و در دهک نهم به اندازه ۰۰۹/۰ واحد می گردد. افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه به طور کلی می تواند تأثیر مثبتی بر نرخ بیکاری در ایران داشته باشد. افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه به معنای افزایش اقتصاد کشور در محاسبه بر اساس جمعیت آن است. این تأثیرات ممکن است به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و از طریق کانال های زیر رخ دهد.

- ایجاد فرصت‌های شغلی: افزایش تولید ناخالص داخلی به معنای افزایش حجم اقتصادی کشور و توسعه بخش‌های مختلف آن است. این توسعه می‌تواند منجر به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و افزایش نیروی کار در صنایع مختلف شود.
 - تقاضای بیشتر برای کالا و خدمات: افزایش درآمد ناخالص داخلی سرانه معمولاً به افزایش توان خرید افراد منجر می‌شود. این افزایش توان خرید باعث افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات مختلف می‌شود که در نتیجه می‌تواند تحریک‌کننده اشتغال و کاهش نرخ بیکاری باشد.
 - انگیزه به سرمایه‌گذاری: افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه و رشد اقتصادی می‌تواند انگیزه‌های مثبتی برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف ایجاد کند. این سرمایه‌گذاری‌ها می‌توانند به توسعه صنایع و کسب‌وکارها و ایجاد شغل‌های جدید منجر شوند.
 - توسعه بخش‌های نوظهور و تکنولوژیک: رشد اقتصادی می‌تواند توسعه بخش‌های نوظهور و پیشرفت‌های فناورانه را تشویق کند که به ایجاد فرصت‌های شغلی در زمینه‌های جدید مانند فناوری اطلاعات، صنعت‌های خلاق و نوآوری کمک می‌کند.
 - کاهش نیاز به مهاجرت: افزایش اشتغال و ایجاد فرصت‌های کاری مناسب می‌تواند از افرادی که به دنبال کار در خارج از کشور هستند، منع کند و باعث کاهش نیاز به مهاجرت‌های اقتصادی شود.
- به همین دلیل، افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه می‌تواند به کاهش نرخ بیکاری در ایران کمک کند. با این حال، تأثیرات اقتصادی پیچیده‌ای دارد و به عوامل دیگری مانند سیاست‌های دولتی، توسعه تخصص‌های فنی، شرایط بازار کار، تغییرات تکنولوژیکی و غیره نیز بستگی دارد.
- نرخ تورم (INF) دارای تأثیر دوگانه بر نرخ بیکاری در ایران است. به نحوی که از دهک اول تا دهک پنجم، تورم دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر نرخ بیکاری و از دهک ششم تا نهم، تورم دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر نرخ بیکاری در ایران است. این تأثیر در دهک اول ۱۴٪- و در دهک نهم دارای تأثیر ۸۷٪+ واحدی است. تأثیر نرخ تورم بر نرخ بیکاری را می‌توان با توجه به مبانی اقتصادی مختلف مورد بررسی قرار داد.
- تقاضا و تأمین: در مبانی اقتصادی، تقاضا و تأمین کالاها و خدمات تأثیر زیادی بر نرخ بیکاری دارند. افزایش نرخ تورم معمولاً به کاهش توان خرید افراد و در نتیجه کاهش تقاضا منجر می‌شود. این می‌تواند باعث کاهش تولید و نیاز به کمترین نیروی کار در کسب‌وکارها شود.
 - اطمینان در بازار کار: تورم بالا ممکن است عدم اطمینان در بازار کار را ایجاد کند. کسب‌وکارها به دلیل ناپایداری در هزینه‌ها و قیمت‌ها احساس عدم اطمینان و از افزایش نیروی کار خودداری کنند.
 - عرضه نیروی کار: افزایش نرخ تورم ممکن است تأثیر مستقیمی بر عرضه نیروی کار داشته باشد. در صورت کاهش تقاضا و رشد ناپایدار اقتصاد، کسب‌وکارها نیاز به کمترین نیروی کار دارند و در نتیجه نرخ بیکاری افزایش می‌یابد.
 - اشتغال در بخش‌های خاص: تورم بالا ممکن است به تحریک افراد برای ورود به بخش‌های خاصی از اقتصاد منجر شود که در آنجا تأثیرات تورم کمتری داشته باشد و ممکن است باعث اشباع بخش‌های خاص و افزایش نرخ بیکاری در سایر بخش‌ها شود.

- سیاست‌های مالی و پولی: سیاست‌های مالی و پولی حکومت نیز تأثیر زیادی بر نرخ بیکاری و تورم دارند. در صورت اجرای سیاست‌های پولی تشدید، کاهش تقاضا و افزایش نرخ تورم ممکن است تأثیر منفی بر نرخ بیکاری داشته باشد.
 - ساختار بازار کار: ویژگی‌های ساختاری بازار کار نیز تأثیر دارد. در برخی شرایط، برخورد های ساختاری مانند نیروی کار نامتعادل یا عدم انعطاف‌پذیری می‌توانند باعث افزایش نرخ بیکاری در صورت افزایش تورم شوند.
- به‌طور خلاصه، تأثیر نرخ تورم بر نرخ بیکاری در کوتاه‌مدت به‌وسیله تغییرات تقاضا، عرضه نیروی کار، اطمینان در بازار کار، سیاست‌های مالی و پولی، و ویژگی‌های ساختار بازار کار ممکن است متفاوت باشد. این تأثیرات معمولاً در دسته‌بندی‌های پیچیده‌تر و اشتراکی قرار دارند که تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرند.
- شاخص نرخ ارز حقیقی مؤثر (RER) مانند نرخ تورم دارای تأثیر دوگانه بر نرخ بیکاری در ایران است. از دهک اول تا دهک پنجم، نرخ ارز دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر نرخ بیکاری و از دهک ششم تا نهم، این تأثیر به‌صورت مثبت و معنی‌دار بر نرخ بیکاری در ایران ظاهر می‌گردد. در دهک اول ۱ واحد افزایش در نرخ ارز حقیقی مؤثر سبب کاهش نرخ بیکاری به‌اندازه ۰/۱۳ واحد و در دهک نهم سبب افزایش نرخ بیکاری به‌اندازه ۰/۰۶ واحد می‌شود. نرخ ارز تأثیرات مهمی بر اقتصاد یک کشور دارد و می‌تواند تأثیرات مهمی بر نرخ بیکاری نیز داشته باشد.
- صنعت و صادرات: نرخ ارز می‌تواند تأثیر مستقیمی بر صنعت و صادرات کشور داشته باشد. افزایش نرخ ارز ممکن است باعث افزایش صادرات کشور شود، زیرا کالاهای و خدمات کشور با نرخ ارز پایین‌تر برای خریداران خارجی جذاب‌تر می‌شوند. افزایش صادرات ممکن است به ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش نرخ بیکاری کمک کند.
 - واردات و تولید داخلی: افزایش نرخ ارز می‌تواند هزینه‌های وارداتی را افزایش دهد، زیرا کالاهای و خدمات وارداتی با نرخ ارز بالاتر گران‌تر می‌شوند. این موضوع ممکن است تأثیرات منفی بر رشد تولید داخلی و افزایش نرخ بیکاری داشته باشد، زیرا بخش‌هایی از اقتصاد ممکن است تحت فشار قرار گیرند.
 - سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: نرخ ارز می‌تواند تأثیری بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته باشد. افزایش نرخ ارز ممکن است باعث افزایش سودآوری سرمایه‌گذاری در کشور شود و سرمایه‌گذاران خارجی را جذب کند. این سرمایه‌گذاری‌ها ممکن است به ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش نرخ بیکاری کمک کند.
 - توریسم: نرخ ارز می‌تواند تأثیر مهمی بر صنعت گردشگری داشته باشد. افزایش نرخ ارز ممکن است باعث ارزش زیادتر پول محلی در مقابل پول‌های خارجی شود و کشور را برای گردشگران جذاب‌تر کند. افزایش توریسم ممکن است به ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش نرخ بیکاری منجر شود.
 - نرخ بهره‌وری و تولید: نرخ ارز می‌تواند تأثیر مستقیمی بر نرخ بهره‌وری و تولید داشته باشد. افزایش نرخ ارز ممکن است باعث افزایش هزینه‌های تولیدی در بخش‌هایی از اقتصاد شود که از مواد اولیه وارداتی استفاده می‌کنند. این ممکن است منجر به کاهش تولید و افزایش نرخ بیکاری شود.

درنهایت، تأثیر نرخ ارز بر نرخ بیکاری به شدت وابسته به شرایط اقتصادی کلان، سیاست‌های دولتی، ساختار اقتصادی، و ویژگی‌های بازار کار هر کشور است. تأثیرات مذکور ممکن است در دسته‌بندی‌های پیچیده‌تر و به شدت اشتراکی تعامل داشته باشند و ممکن است تحت تأثیر عوامل مختلف تغییر کنند.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در تمامی دهک‌های نرخ بیکاری دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر بیکاری در ایران است. در دهک اول، ۱ واحد افزایش در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سبب کاهش نرخ بیکاری به اندازه ۰/۳۰۱ واحد می‌شود. تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نرخ بیکاری در ایران و در دهک نهم به ۰/۲۷۹- می‌رسد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق کانال‌های زیر می‌تواند بر نرخ بیکاری مؤثر باشد:

- ایجاد فرصت‌های شغلی: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی معمولاً باعث ایجاد فرصت‌های شغلی در کشور می‌شود. ورود سرمایه‌گذاران خارجی به بخش‌های مختلف اقتصاد است باعث ایجاد شغل‌های جدید و کاهش نرخ بیکاری شود.
 - توسعه بخش‌های اقتصادی: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند به توسعه و رشد بخش‌های مختلف اقتصاد کمک کند. افزایش فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی در نتیجه ورود سرمایه‌گذاران خارجی به افزایش تقاضا برای نیروی کار منجر شود.
 - انتقال فناوری و دانش: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی معمولاً با انتقال فناوری‌های جدید و دانش فنی به کشور می‌تواند همراه باشد. این تقاضا انتقال فناوری ممکن است به توسعه بخش‌های پیشرفته‌تر و ایجاد فرصت‌های شغلی در زمینه‌های پیشرفته کمک کند.
- افزایش تولید و رشد اقتصادی: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی معمولاً به توسعه تولید و رشد اقتصادی کمک می‌کند. افزایش تولید و رشد اقتصادی باعث افزایش نیاز به نیروی کار شود و نرخ بیکاری را کاهش دهد.

جدول ۴. نتایج رگرسیون چندکی برای کشور ایران

متغیر / چندکی	Q10	Q20	Q30	Q40	Q50	Q60	Q70	Q80	Q90
ضریب	-۰/۴۸۴	-۰/۶۷۳	-۰/۹۲۲	-۰/۸۷۵	-۰/۶۱۹	-۰/۴۱۳	-۰/۴۰۱	-۰/۳۸۵	-۰/۳۸۱
آماره t	-۲/۳۳**	-۲/۸۸**	-۲/۵۴**	-۲/۳۵**	-۲/۷۹*	-۲/۱۶**	-۲/۳۱**	-۲/۴۳**	-۲/۴۳**
ضریب	-۰/۰۰۲	-۰/۰۰۱	-۰/۰۰۵	-۰/۰۰۴	-۰/۰۰۱	-۰/۰۰۶	-۰/۰۰۶	-۰/۰۰۷	-۰/۰۰۹
آماره t	-۲/۶۷**	-۲/۴۰**	-۲/۵۰**	-۲/۵۸**	-۲/۲۱**	-۲/۳۲**	-۲/۵۳**	-۲/۹۱*	-۳/۰۲*
ضریب	-۰/۰۱۴	-۰/۰۱۷	-۰/۰۲۶	-۰/۰۳۳	-۰/۰۲۶	-۰/۰۳۴	-۰/۰۵۹	-۰/۰۶۷	-۰/۰۸۷
آماره t	-۲/۷۲**	-۲/۴۵**	-۲/۳۳**	-۲/۲۹**	-۲/۳۹**	-۲/۶۰**	-۲/۵۰**	-۲/۹۸*	-۲/۶۴*
ضریب	-۰/۰۱۳	-۰/۰۰۸	-۰/۰۰۶	-۰/۰۰۵	-۰/۰۰۶	-۰/۰۰۴	-۰/۰۰۳	-۰/۰۰۵	-۰/۰۰۶
آماره t	-۲/۱۷**	-۲/۵۱**	-۲/۵۷**	-۲/۴۰**	-۱/۸۹***	-۲/۴۵**	-۲/۶۴**	-۲/۴۵**	-۲/۲۸**
ضریب	-۰/۳۰۱	-۰/۴۶۷	-۰/۷۳۱	-۰/۶۹۶	-۰/۵۶۳	-۰/۵۵۱	-۰/۲۹۱	-۰/۲۹۷	-۰/۲۷۹
آماره t	-۳/۵۳*	-۳/۳۹*	-۳/۱۵*	-۳/۹۹*	-۳/۸۰*	-۳/۸۲*	-۳/۴۳*	-۳/۶۵*	-۳/۹۰*
ضریب	۴/۶۷	۸/۲۶	۹/۵۰	۹/۷۲	۸/۵۱	۸/۶۹	۱۰/۷۰	۱۱/۴۹	۱۱/۱۱
آماره t	۱/۳۵	۴/۶۰*	۴/۶۶*	۴/۸۳*	۴/۷۸*	۵/۰۴*	۵/۱۸*	۷/۹۴*	۷/۴۹*

منبع: یافته‌های پژوهش

یادداشت: *، ** و *** به ترتیب معناداری در سطح ۵، ۱ و ۱۰ درصد است.

در این بخش، آزمون تقارن ضرایب ارائه می‌شود. جدول (۵) نشان‌دهنده آزمون تقارن ضرایب برای کشور ایران است.

جدول ۵. نتایج آزمون تقارن ضرایب برای کشور ایران

متغیر	تقارن بین چندکی‌ها	آماره	احتمال
GG	۰/۱-۰/۹	۱/۱۶	۰/۸۵
	۰/۲-۰/۸	۱/۷۴	۰/۶۸
	۰/۳-۰/۷	۱/۲۰	۰/۳۸
	۰/۴-۰/۶	۱/۱۵	۰/۴۳
GDP	۰/۱-۰/۹	۰/۰۰۱	۰/۴۴
	۰/۲-۰/۸	۰/۰۰۲	۰/۴۴
	۰/۳-۰/۷	۰/۰۰۶	۰/۲۹
	۰/۴-۰/۶	۰/۰۰۸	۰/۱۵
INF	۰/۱-۰/۹	-۰/۰۰۸	۰/۸۷
	۰/۲-۰/۸	۰/۰۱۴	۰/۶۸
	۰/۳-۰/۷	۰/۰۱۳	۰/۵۰
	۰/۴-۰/۶	۰/۰۱۵	۰/۵۶
RER	۰/۱-۰/۹	۰/۰۰۲	۰/۷۲
	۰/۲-۰/۸	۰/۰۰۲	۰/۶۴
	۰/۳-۰/۷	۰/۰۰۱	۰/۶۳
	۰/۴-۰/۶	۰/۰۰۳	۰/۶۵
FDI	۰/۱-۰/۹	-۱/۴۰	۰/۲۱
	۰/۲-۰/۸	-۰/۳۷	۰/۴۶
	۰/۳-۰/۷	-۰/۱۰	۰/۷۱
	۰/۴-۰/۶	-۰/۱۴	۰/۴۳
C	۰/۱-۰/۹	-۱/۱۳	۰/۳۲
	۰/۲-۰/۸	-۱/۵۰	۰/۳۵
	۰/۳-۰/۷	-۱/۴۲	۰/۳۶
	۰/۴-۰/۶	-۱/۳۷	۰/۳۳

منبع: نتایج پژوهش

آزمون تقارن چندک‌ها یکی از آزمون‌های مهم روش رگرسیون چندکی است که بر اساس آن، می‌توان نتیجه گرفت تفاوت معناداری در ضرایب چندک‌های متقارن وجود دارد یا خیر. در صورتی که تفاوت معنادار در ضرایب چندک‌های متقارن وجود نداشته باشد، نشان از اثرگذاری یکسان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در چندک‌های متقارن است و برعکس. آزمون

تقارن چندکی‌ها برای کشور ایران نشان می‌دهد که در چندکی‌های مورد بررسی در مورد همه متغیرهای پژوهش فرضیه صفر مبنی بر تقارن نتایج در سطح خطای ۵ درصد رد نشده است و تأیید می‌گردد. جدول (۶) آزمون برابری شیب‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۶. آزمون برابری شیب‌ها برای کشور ایران

متغیر	$Q_{0.1}=Q_{0.2}$	$Q_{0.2}=Q_{0.3}$	$Q_{0.3}=Q_{0.4}$	$Q_{0.4}=Q_{0.5}$	$Q_{0.5}=Q_{0.6}$	$Q_{0.6}=Q_{0.7}$	$Q_{0.7}=Q_{0.8}$	$Q_{0.8}=Q_{0.9}$
GG	آماره	۱/۸۱	۱/۷۵	۰/۷۵	-۱/۴۵	۱/۲۰	۱/۹۰	۱/۸۶
	احتمال	۰/۴۵	۰/۴۸	۰/۶۷	۰/۴۰	۰/۳۳	۰/۱۲	۰/۱۵
GDP	آماره	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۳	۰/۰۰۷	۰/۰۰۴
	احتمال	۰/۲۶	۰/۴۳	۰/۷۷	۰/۲۰	۰/۵۵	۰/۲۱	۰/۵۴
INF	آماره	۰/۰۰۲	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۸	۰/۰۲۴	۰/۰۲۱
	احتمال	۰/۹۳	۰/۶۴	۰/۶۴	۰/۶۱	۰/۶۴	۰/۱۹	۰/۲۲
RER	آماره	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۸	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۰/۰۰۸
	احتمال	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۶۷	۰/۴۵	۰/۶۷	۰/۱۴	۰/۳۸
FDI	آماره	-۰/۷۶	-۰/۲۶	۰/۰۳۴	۰/۱۳	۰/۰۱۲	۰/۲۵	۰/۰۱۱
	احتمال	۰/۴۰	۰/۴۸	۰/۸۴	۰/۴۴	۰/۹۵	۰/۳۵	۰/۷۴

منبع: یافته‌های پژوهش

یکی از مهم‌ترین مزیت‌های روش رگرسیون چندکی در مقایسه با سایر روش‌ها مانند حداقل مربعات معمولی، اندازه‌گیری شیب‌ها در چندک‌های مختلف است. در روش رگرسیون چندکی، چندک‌های مختلف دارای شیب‌های متفاوتی خواهند بود و نشانگر اثرگذاری متفاوت متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در چندک‌های مختلف است. از طرفی ممکن است که بین دو یا چند چندک این تفاوت خیلی معنادار یا قابل توجه نباشد؛ لذا بر اساس آزمون برابری شیب‌ها می‌توان به این مهم دست پیدا کرد که آیا بین چندک‌های مختلف تفاوت معناداری در شیب‌ها وجود دارد یا خیر. بر اساس این آزمون می‌توان دریافت که آیا تفاوت اساسی در برآورد پارامترها با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی و روش رگرسیون چندکی وجود دارد یا خیر (احمدزاده و همکاران، ۱۴۰۱). نتایج آزمون برابری شیب‌ها برای کشور ایران نشان می‌دهد که برای تمامی چندک‌های متغیرهای پژوهش، فرضیه صفر دال بر برابری چندکی‌های متوالی در سطح خطای ۵ درصد رد نشده است.

۵- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها سیاستی

حکمرانی مطلوب و نرخ بیکاری، دو عامل اساسی در توسعه و پایداری اقتصادی کشورها به شمار می‌آیند. حکمرانی مطلوب به عنوان یک ستون اصلی از ساختار اجتماعی و اقتصادی، تأثیر بزرگی بر نرخ بیکاری دارد و تعامل میان این دو جنبه باعث تحولات مهم در اقتصاد کشورها می‌شود. اهمیت حکمرانی مطلوب در اقتصاد کشورها بسیار بزرگ است. حکومت‌های کارآمد و شفاف باعث ایجاد اعتماد و پایداری در محیط کسب‌وکار می‌شوند. سیاست‌ها و تصمیمات

حکومت در زمینه‌های مالی، پولی، تجارت و سرمایه‌گذاری تأثیر مستقیم بر رشد اقتصادی دارند. حکمرانی نادرست، فساد و عدم شفافیت می‌توانند موجب عدم جذب سرمایه‌گذاری، افزایش نرخ تورم و کاهش اعتماد عمومی شده و اقتصاد را به مخاطرات بزرگی می‌اندازند. نرخ بیکاری نیز به عنوان یک شاخص حیاتی از وضعیت اقتصادی یک کشور در نظر گرفته می‌شود. بیکاری منجر به بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی متعدد می‌شود، از جمله کاهش درآمد خانوارها، افزایش فقر، کاهش تقاضا و کاهش قدرت خرید مردم. همچنین، نرخ بیکاری باعث تلفات بزرگ در منابع انسانی کشور می‌شود و توانایی توسعه و پیشرفت را محدود می‌کند. ارتباط میان حکمرانی مطلوب و نرخ بیکاری نیز بسیار چشمگیر است. حکومت‌های با حکمرانی نادرست و فساد، عملکرد اقتصادی را ضعیف می‌کنند و ایجاد فرصت‌های شغلی را کاهش می‌دهند. در مقابل، حکومت‌های با حکمرانی شفاف و کارآمد می‌توانند با ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی، ترویج کارآفرینی، ارتقا آموزش و مهارت‌ها، و کنترل بی‌ثباتی اقتصادی، نرخ بیکاری را بهبود بخشند. در نتیجه، حکمرانی مطلوب و کاهش نرخ بیکاری همچون دو عامل تنظیم‌کننده اقتصاد کشورها عمل می‌کنند. حکمرانی مطلوب باعث ایجاد محیطی مناسب برای توسعه اقتصادی می‌شود و نرخ بیکاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تعامل مثبت بین این دو عامل می‌تواند به تحقق رشد پایدار و بهبود شرایط زندگی افراد در کشورها کمک کند. در نتیجه هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر شاخص حکمرانی مطلوب بر نرخ بیکاری در ایران طی دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۱ و با استفاده از روش رگرسیون چندکی (کوانتایل) است. برای رسیدن به هدف پژوهش از متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ تورم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نرخ ارز حقیقی مؤثر به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شاخص حکمرانی مطلوب در تمامی دهک‌های نرخ بیکاری دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر نرخ بیکاری است. تولید ناخالص داخلی سرانه و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تمامی دهک‌های نرخ بیکاری دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر نرخ بیکاری و دو متغیر نرخ تورم و نرخ ارز حقیقی کوثر از دهک اول تا دهک پنجم دارای تأثیر منفی و معنی‌دار و از دهک ششم تا نهم دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر نرخ بیکاری است.

برای حل مشکلات و موانع موجود در حکمرانی مطلوب و نرخ بیکاری در ایران، پیشنهادها و توصیه‌های سیاستی ذیل ارائه می‌گردد:

حکمرانی مطلوب

اصلاح نظام حاکمیتی

- **تقویت سیستم‌ها و فرایندهای اداری:** بازنگری و بهینه‌سازی فرایندهای اداری می‌تواند موجب کاهش بوروکراسی و افزایش کارایی شود. استفاده از فناوری‌های نوین مانند دولت الکترونیک می‌تواند به تسهیل و تسریع در ارائه خدمات عمومی کمک کند.
- **کاهش فساد:** ایجاد و تقویت نهادهای نظارتی مستقل، استفاده از سیستم‌های شفاف‌سازی مالی و اداری، و ترویج فرهنگ پاسخگویی در بین کارکنان دولت می‌تواند به کاهش فساد کمک کند.

- **افزایش شفافیت:** اطلاع‌رسانی و دسترسی عمومی به اطلاعات دولتی، برگزاری جلسات عمومی برای تصمیم‌گیری‌های مهم و استفاده از ابزارهای دیجیتال برای گزارش دهی مالی و اداری می‌تواند شفافیت را افزایش دهد.

تقویت قوانین و مقررات

- **بهبود قوانین کسب‌وکار:** ساده‌سازی و اصلاح قوانین و مقررات مربوط به راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارها، کاهش هزینه‌ها و زمان موردنیاز برای ثبت و آغاز فعالیت‌های اقتصادی.
- **جذب سرمایه‌گذاری:** ایجاد مشوق‌ها و تسهیلات برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، تضمین حقوق مالکیت و ایجاد محیطی پایدار و پیش‌بینی‌پذیر برای کسب‌وکارها.

تولید ناخالص داخلی سرانه

توسعه بخش‌های تولیدی

- **افزایش سرمایه‌گذاری در صنعت و کشاورزی:** تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی و فناوری‌های نوین، حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط، و تقویت زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انرژی.
- **بهبود زیرساخت‌ها:** سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتال، مانند جاده‌ها، راه‌آهن، بندرها، شبکه‌های برق و اینترنت پرسرعت.

توسعه توانمندی‌های انسانی

- **سرمایه‌گذاری در آموزش:** افزایش بودجه‌های آموزشی، بهبود کیفیت آموزش و پژوهش، و توسعه برنامه‌های آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای.
- **بهبود مهارت‌های کارگران:** ارائه برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی برای کارگران و کارآفرینان، تشویق به آموزش مداوم و یادگیری مادام‌العمر.

نرخ تورم

سیاست‌های پولی مؤثر

- **کنترل تورم:** استفاده از ابزارهای سیاست پولی مانند نرخ بهره، ذخایر قانونی و مدیریت نقدینگی برای کنترل تورم.
- **نظارت بر نرخ ارز:** مدیریت نوسانات نرخ ارز از طریق مداخله‌های محدود و هوشمندانه در بازار ارز و حفظ تعادل در عرضه و تقاضای ارز.
- **مدیریت منابع مالی دولت:** کاهش کسری بودجه از طریق افزایش درآمدهای مالیاتی، کاهش هزینه‌های غیرضروری و بهبود کارایی در تخصیص منابع.

نرخ ارز

اصلاح بازار ارز

- **بهبود نظام ارزی:** ایجاد یک سیستم ارزی کارآمد و شفاف که امکان معاملات آسان و بدون موانع را فراهم کند.
- **کاهش نوسانات نرخ ارز:** استفاده از سیاست‌های پایدار ارزی و مالی برای کاهش نوسانات نرخ ارز و افزایش ثبات اقتصادی.
- **تسهیل در دسترسی به ارز:** تسهیل در دسترسی به ارز برای واردات و صادرات، ایجاد سیاست‌های تشویقی برای افزایش صادرات و جذب ارز خارجی.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

تسهیلات و تشویقات سرمایه‌گذاری:

- **ارائه تسهیلات مالی:** فراهم کردن شرایط مناسب برای دریافت وام‌ها و تسهیلات مالی با نرخ‌های بهره مناسب برای سرمایه‌گذاران.
- **تشویق به سرمایه‌گذاری در بخش‌های استراتژیک:** ارائه مشوق‌های مالی و معافیت‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های استراتژیک مانند انرژی، فناوری اطلاعات، و صنایع پتروشیمی.
- **تسهیل در انتقال سود و سرمایه:** تضمین حقوق سرمایه‌گذاران خارجی برای انتقال سود و سرمایه به خارج از کشور بدون محدودیت‌های غیرضروری.

منابع

منابع داخلی

- احمدزاده، خالد؛ منوچهری، صلاح‌الدین؛ امانی، رامین؛ صمدی پور، شهلا. (۱۴۰۱). تغییرات اقلیمی، تجارت و نابرابری درآمدی: رهیافت رگرسیون چندکی در داده‌های تابلویی. اقتصاد و الگوسازی، ۱۳(۱)، ۵۷-۹۲.
- حکمتی فرید، صمد، یوسف محمدزاده، افسانه حسین زاده، (۱۳۹۹). بررسی اثر حکمرانی مطلوب بر سلامت زنان در کشورهای با درآمد متوسط به بالا با رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته. فصلنامه زن و جامعه، ۱۱(۴۱)، ۲۹-۵۲.
- شکوهی فرد، سیامک، رویا آل عمران، فرزاد رحیم زاده، امیرعلی فرهنگ، (۱۴۰۱). اثرات فساد بر بازار کار در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی. دو فصلنامه علمی مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ۲(۲)، ۲۰۲-۱۷۹.
- شکوهی فرد، سیامک، رویا آل عمران، نادر مهرگان، فرزاد رحیم زاده، (۱۴۰۱). بررسی تأثیر فساد بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان: رویکرد سیستم معادلات هم‌زمان. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری، ۱۹(۲)، ۱۵۱-۱۸۵.
- فاطمی، مهدی، محسن زاینده‌رودی، عبدالمجید جلایی، (۱۴۰۱). تحلیل اثر اندازه بهینه دولت بر اشتغال بخش کشاورزی در اقتصاد ایران. روستا و توسعه پایدار فضا، ۳(۴)، ۲۲-۴۳.
- مرادی، فاطمه، محمد جعفری، شهرام فتاحی، (۱۴۰۰). تأثیر حکمرانی مطلوب بر نابرابری درآمد در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته: با تأکید بر کنترل فساد. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری. مقاله در حال چاپ.

- مرادی، مهدی، علی سلمان پور، (۱۳۹۶). تأثیر حکمرانی مطلوب بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۴(۱۰)، ۳۳-۵۹.
- منتظری شورکچالی، جلال، مهدی زاهد غروی، (۱۴۰۰). بررسی اثر اندازه دولت بر بیکاری در ایران: شواهد جدید از الگوی مارکوف - سوئیچینگ. بررسی مسائل اقتصاد ایران، ۸ (شماره ۱ (شماره پیاپی: ۱۵)، ۳۳۳-۳۵۹.

منابع خارجی

- Abé Ndjé, A. Atangana Ondoa, H. & Ngoa Tabi, H. (2019). Governance and youth unemployment in Africa. *Labor History*, 60(6), 869-882. <https://doi.org/10.1080/0023656X.2019.1645320>
- Acemoglu, D. & Robinson, J. A. (2001). The colonial origins of comparative development: An empirical investigation. *American Economic Review*, 91(5), 1369-1401.
- Adelaja, A. & George, J. (2020). Is youth unemployment related to domestic terrorism? *Perspectives on terrorism*, 14(5), 41-62.
- Agostino, M. Nifo, A. Trivieri, F. & Vecchione, G. (2020). Rule of law and regulatory quality as drivers of entrepreneurship. *Regional Studies*, 54(6), 814-826.
- Ahmadzadeh, K. Manochehri, S. Amani, R. & Samadipour, S. (2022). Climate Change, Trade and Income Inequality: A Quantile Panel Regression Approach. *Journal of Economics and Modelling*, 13(1), 57-92. doi: 10.29252/jem.2022.227221.1755 (In Persian)
- Akerlof, G. A. (1970). The market for "lemons": Quality uncertainty and the market mechanism. *Quarterly Journal of Economics*, 84(3), 488-500.
- Ali, S. Yusop, Z. Kaliappan, S. R. Chin, L. & Meo, M. S. (2022). Impact of trade openness, human capital, public expenditure and institutional performance on unemployment: evidence from OIC countries. *International Journal of Manpower*, 43(5), 1108-1125.
- Arano, K. G. & Srinivasan, A. K. (2022). Economic downturn, change in unemployment, and the Midwest: A Quantile regression approach. *Review of Regional Studies*, 52(1), 1-19.
- Blanchard, O. J. & Summers, L. H. (1986). Hysteresis and the European unemployment problem. *NBER Macroeconomics Annual*, 1, 15-78.
- Borensztein, E. De Gregorio, J. & Lee, J. W. (1998). How does foreign direct investment affect economic growth? *Journal of International Economics*, 45(1), 115-135. doi:10.1016/S0022-1996(97)00033-0
- Choudhry, M. T. Marelli, E. & Signorelli, M. (2012). Youth unemployment rate and impact of financial crises. *International journal of manpower*, 33(1), 76-95.
- Cook, C. J. Howard, S. J. Cuartas, J. Makaula, H. Merkley, R. Mshudulu, M. ... & Draper, C. E. (2022). Child exposure to violence and self-regulation in South African preschool-age children from low-income settings. *Child Abuse & Neglect*, 134, 105944.
- Davino C, Furno M, Vistocco D (2013) *Quantile regression. Theory and applications*. Wiley, series in probability and statistics. Wiley, UK
- Dhamija, P. (2020). Economic development and South Africa: 25 years analysis (1994 to 2019). *South African Journal of Economics*, 88(3), 298-322.
- Farid Hekmati, S. Mohammadzadeh, Y. Hosseinzadeh, A. (2020). A study about the effect of good governance on the women's health in upper-middle income countries with GMM approach. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 11(41), 29-52. (In Persian)
- Fatemi, M. Zayandehroodi, M. & Jalaei, A. (2022). Investigating the effect of the optimal government size on employment in the agricultural sector in Iran's economy. *Village and Space Sustainable Development*, 3(4), 22-43. doi: 10.22077/vssd.2022.5587.1127 (In Persian)
- Ferrara, F. M. Masciandaro, D. Moschella, M. & Romelli, D. (2022). Political voice on monetary policy: Evidence from the parliamentary hearings of the European Central Bank. *European Journal of Political Economy*, 74, 102143.
- Firpo, S. Fortin, N. M. & Lemieux, T. (2009). Unconditional quantile regressions. *Econometrica*, 77(3), 953-973. <https://doi.org/10.3982/ECTA6821>
- Fomba Kamga, B. Talla Fokam, D. N. D. & Ningaye, P. (2022). Political instability and youths unemployment in sub-Saharan Africa. *Review of Development Economics*, 26(3), 1850-1879.

- Frenkel, R. & Ros, J. (2006). Unemployment and the real exchange rate in Latin America. *World Development*, 34(4), 631-646. doi:10.1016/j.worlddev.2005.08.011
- Friedman, M. (1968). The role of monetary policy. *American Economic Review*, 58(1), 1-17.
- Gustafson, D. (2020). Hunger to violence: Explaining the violent escalation of nonviolent demonstrations. *Journal of Conflict Resolution*, 64(6), 1121-1145.
- Hansen, B. E. (2000). Sample splitting and threshold estimation. *Econometrica*, 68(3), 575-603.
- Iqbal Hussain, H. Kot, S. Kamarudin, F. & Huang Yee, L. (2021). Impact of rule of law and government size to the microfinance efficiency. *Economic research-Ekonomska istraživanja*, 34(1), 1870-1895.
- Koenker, R. (2005). Quantile Regression. Cambridge University Press.
- Koenker, R. & Bassett, G. (1978). Regression quantiles. *Econometrica*, 46(1), 33-50. <https://doi.org/10.2307/1913643>
- Koenker, R. & Hallock, K. F. (2001). Quantile regression. *Journal of Economic Perspectives*, 15(4), 143-156. <https://doi.org/10.1257/jep.15.4.143>
- Kravitz-Wirtz, N. Aubel, A. Schleimer, J. Pallin, R. & Wintemute, G. (2020). Violence, firearms, and the coronavirus pandemic: Findings from the 2020 California Safety and Wellbeing Survey. MedRxiv, 2020-10.
- Kunawotor, M. E. Bokpin, G. A. & Barnor, C. (2020). Drivers of income inequality in Africa: Does institutional quality matter? *African Development Review*, 32(4), 718-729.
- Levie, J. & Autio, E. (2011). Regulatory burden, rule of law, and entry of strategic entrepreneurs: An international panel study. *Journal of Management Studies*, 48(6), 1392-1419.
- Lim, K. Y. (2019). Modelling the dynamics of corruption and unemployment with heterogeneous labour. *Economic Modelling*, 79, 98-117.
- Machado, J. A. F. & Silva, J. M. C. S. (2019). Quantiles for counts. *Journal of Business & Economic Statistics*, 37(2), 321-335. <https://doi.org/10.1080/07350015.2017.1371561>
- Matandare, M. A. (2018). Botswana unemployment rate trends by gender: Relative analysis with upper middle income Southern African countries (2000-2016). *Dutch Journal of Finance and Management*, 2(2), 04.
- Metu, A. G. Ajudua, E. Eboh, I. Ukeje, C. & Madichie, C. (2020). Ending youth unemployment in sub-saharan Africa: Does ICT development have any role? *African Development Review*, 32, S20-S31.
- Montazeri Shoorekchali, J. & Zehed Gharavi, M. (2021). The Effect of Government Size on Unemployment in Iran: New Evidence from the Markov-Switching Model. *Journal of Iranian Economic Issues*, 8(1), 333-359. doi: 10.30465/ce.2021.7274 (In Persian)
- Moradi, F. Jafari, M. & Fatahi, S. (2021). The impact of good governance on income inequality in selected developing and developed countries' with an emphasis on control of corruption. *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, (), -. doi: 10.22055/jqe.2021.37420.2374 (In Persian)
- Moradi, M. & Salmanpour, A. (2018). The effect of good governance on income distribution in a selected group of Organization of Islamic Countries (OIC). *Sociology of Social Institutions*, 4(10), 33-59. doi: 10.22080/ssi.2018.1734 (In Persian)
- Moridian, A. Radulescu, M. Kumar, P. Radu, M. T. & Mohammad, J. (2024). New insights on immigration, fiscal policy and unemployment rate in EU countries—A quantile regression approach. *Heliyon*, 10(13).
- Nepram, D. Singh, S. P. & Jaman, S. (2021). The effect of government expenditure on unemployment in India: A state level analysis. *The Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 8(3), 763-769.
- Ngono, J. F. L. (2023). Corrupting politicians to get out of unemployment: Empirical evidence from Africa. *Journal of the Knowledge Economy*, 14(2), 1004-1032.
- Ogundiya, I. S. (2010). Democracy and good governance: Nigeria's dilemma. *African journal of political science and international relations*, 4(6), 201.
- Okun, A. M. (1962). Potential GNP: Its measurement and significance. American Statistical Association, Proceedings of the Business and Economics Statistics Section, 98-104.
- Purcell, L. N. Kayange, L. Gallaher, J. Varela, C. & Charles, A. (2020). The inter-relationship between employment status and interpersonal violence in Malawi: a trauma center experience. *World journal of surgery*, 44, 2927-2934.
- Radin, M. J. (2017). *Reconsidering the rule of law*. In The Rule of Law and the Separation of Powers (pp. 37-76). Routledge.
- Ronaghi, M. & Scorsone, E. (2023). The Impact of Governance on Poverty and Unemployment Control Before and After the Covid Outbreak in the United States. *Journal of Poverty*, 1-21. <https://doi.org/10.1080/10875549.2023.2173708>

- Sen, A. K. (2002). *Neo-classical and neo-Keynesian theories of distribution*. Joan Robinson: Critical Assessments of Leading Economists, 4, 478.
- Shabbir, A. Kousar, S. & Zubair Alam, M. (2021). Factors affecting level of unemployment in South Asia. *Journal of Economic and Administrative Sciences*, 37(1), 1-25.
- Shabbir, A. Kousar, S. Kousar, F. Adeel, A. & Jafar, R. A. (2019). Investigating the effect of governance on unemployment: a case of South Asian countries. *International Journal of Management and Economics*, 55(2), 160-181.
- Shokouhifard, S. Aleemran, R. Mehrgan, N. & Rahimzadeh, F. (2022). The Effect of Corruption on Female Labor Force Participation Rates: Simultaneous Equations System Approach. *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 19(2), 151-185. doi: 10.22055/jqe.2020.32884.2228 (In Persian)
- Shokouhifard, S. Aleemran, R. Rahimzadeh, F. & Farhang, A. A. (2022). The Effects of Corruption on the Labor Market in Selected Countries of the Organization of Islamic Cooperation. *The Journal of Economic Studies and Policies*, 9(2), 202-179. doi: 10.22096/esp.2022.522039.1458 (In Persian)
- Siciliano, M. D. Carr, J. B. & Hugg, V. G. (2021). Analyzing the effectiveness of networks for addressing public problems: Evidence from a longitudinal study. *Public Administration Review*, 81(5), 895-910.
- Singh, D. & Shastri, S. (2020). Public expenditure on education, educational attainment and unemployment nexus in India: an empirical investigation. *International Journal of Social Economics*, 47(5), 663-674.
- Tonuchi, J. E. & Idowu, P. (2020). *How large is the size of Nigeria's informal economy? A MIMIC approach*. *International journal of economics, commerce and management*.
- Uddin, I. & Rahman, K. U. (2023). Impact of corruption, unemployment and inflation on economic growth evidence from developing countries. *Quality & Quantity*, 57(3), 2759-2779.
- Uddin, P. S. O. (2013). Causes, effects and solutions to youth unemployment problems in Nigeria. *Journal of Emerging Trends in Economics and Management Sciences*, 4(4), 397-402.
- Widodo, G. Suharno, S. Alfarisy, M. F. & Fahrudin, M. (2023, July). *Analysis of the Influence of Investment And Good Governance on the Open Unemployment Rate and Economic Growth In 34 Provinces In Indonesia*. In Proceeding of Midyear International Conference (Vol. 2).
- Youssef, J. & Diab, S. (2021). Does quality of governance contribute to the heterogeneity in happiness levels across MENA countries? *Journal of Business and Socio-economic Development*, 1(1), 87-101.
- Zivot, E. & Donald, W. K. Andrews. (1992). Further Evidence on the Great Crash, the Oil-Price Shock, and the Unit-Root Hypothesis. *Journal of Business & Economic Statistics*, 10(3), 251-270.